

www.al-milani.com

سلسله پژوهش های اعتقادی

(۳۴)

نگاهی به آیه تطهیر

پژوهشی در تفسیر و شأن نزول آیه تطهیر

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست نگارها

سرآغاز

پیش گفتار

بخش یکم

اهل بیت چه کسانی هستند؟

پیامبر خدا و تعیین مصداق «اهل البیت»

حدیث کساء و صحابه

حدیث کساء و علمای بزرگ اهل سنت

حدیث کساء در صحاح شش گانه و دیگر منابع حدیثی اهل سنت

به روایت احمد بن حنبل

به روایت مسلم

به روایت ابن اثیر

به روایت نسائی

به روایت حاکم نیشابوری

به روایت ابن حجر هیتمی

حدیث آیه تطهیر و تأیید کنندگان صحّت آن

دلالت های احادیث آیه تطهیر

منظور از اهل بیت چه کسانی هستند؟

نزول آیه در موضوع خاص

بخش دوم

آیه تطهیر و نادرستی دو دیدگاه دیگر

اثبات نادرستی دو دیدگاه دیگر

آیه تطهیر و دیدگاه نادرست عکرمة

آیا مقصود از اهل بیت، همسران پیامبرند؟

نگاهی به شرح حال عکرمة

نگاهی به شرح حال مقاتل

آیه تطهیر و دیدگاه نادرست ضحاک

نگاهی به شرح حال ضحاک

بخش سوم

آیه تطهیر و عصمت اهل بیت

سه نکته مهم

اراده تکوینی و شبهه جبر

بخش چهارم

معنای آیه تطهیر و تناقض گویی علمای اهل سنت

معنای آیه تطهیر و سه گروه از علمای اهل سنت

نمونه ای از گروه اول

نمونه ای از گروه دوم

نمونه ای از گروه سوم

اعتراف ابن تیمیّه به درستی این حدیث

نادرستی سخنان ابن تیمیّه

فاطمه علیها السلام از مصادیق آیه

کم فهمی یا شدت تعصب ابن تیمیّه

آیاتی درباره ابوبکر

پیامبر خدا و فاطمه زهرا از اهل بیت هستند

افضلیت حسنین علیهما السلام

افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام

ابوبکر کجا می تواند مصداق آیه «الأتقی» باشد؟

دیدگاه دیگر ابن تیمیّه و ردّ آن
پیشگامان نخستین چه کسانی هستند؟

تناقض گویی ابن تیمیّه

پاسخ به شبهه های واهی ابن تیمیّه

آیه تطهیر و دیدگاه دهلوی

پاسخ به دیدگاه دهلوی

کتاب نامه

سرآغاز

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، با توطئه هایی از پیش مهیا شده - مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحییر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را - که همچون آفتاب جهان تاب بود - پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُررَبَّار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و... همچون ستارگانی پرفروز می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته اند... .

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سیّد علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظمّ له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظمّ له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّه الله الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

نگاهی به آیه تطهیر

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

پیش گفتار

از آیاتی که برای اثبات امامت و رهبری امیرالمؤمنین علی علیه السلام به آن استدلال می شود، آیه مبارکه تطهیر است. در قرآن کریم چنین می خوانیم:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)^۱

خدا می خواهد آلودگی را فقط از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

این آیه در قرآن کریم در میان آیاتی است که درباره همسران پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده اند. آن جا که می خوانیم:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا * وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا)^۲

ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستید اگر تقوا پیشه کنید، پس به ناز سخن نگوئید تا کسی که در دلش بیماری است، طمع ورزد و شایسته سخن گوئید و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلی نخستین زینت های خود را آشکار نسازید و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و فرستاده او فرمان برید، خدا می خواهد آلودگی را فقط از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. آن چه را در خانه های شما از آیات خداوند و حکمت خوانده می شود یاد کنید، خداوند بسیار لطف کننده و آگاه است.

به هنگام استدلال به آیات قرآن کریم در اثبات مقام امامت حضرت علی و دیگر معصومان علیهم السلام لازم است، شأن نزول و دلالت این آیات بررسی شوند.

۱ . سوره احزاب: آیه ۳۳.

۲ . سوره احزاب: آیه ۳۲ - ۳۴

برای شأن نزول و فهم دلالت این آیات نیز باید به سنت مراجعه کرد و روایاتی را بررسی نمود که مفسر این آیات باشند. در چنین مسأله مهمی، باید به سنتی مراجعه کرد که از سوی دو طرف بحث، مورد پذیرش قرار گرفته باشد. از این رو نوشتار پیش رو کوشیده است، این آیه را بر اساس بخش های ذیل بررسی نماید تا حقیقت بر همگان روشن گردد.

بخش یکم: اهل بیت چه کسانی هستند؟

بخش دوم: آیه تطهیر نادرستی دو دیدگاه دیگر.

بخش سوم: آیه تطهیر و عصمت اهل بیت.

بخش چهارم: معنای آیه تطهیر و تناقض گویی علمای اهل سنت.

در ارائه و بررسی این بخش ها از خدای بزرگ یاری می طلبیم که او ولی توفیق است.

بخش یکم

اهل بیت چه کسانی هستند؟

پیامبر خدا و تعیین مصداق «اهل البیت»

طبق روایاتی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله هم از نظر قولی و هم از نظر عملی اهل بیت علیهم السلام را تعیین فرمودند. در این بخش به بیان نام گروهی از صحابه که «حدیث کساء» را روایت کرده اند می پردازیم؛ حدیثی که به صراحت بیان می کند این آیه فقط درباره رسول اکرم و اهل بیت پاک و مطهر ایشان علیهم الصلاة والسلام نازل شده است. آن گاه نامدارترین راویان آن را که از پیشوایان اهل سنت و حافظان حدیث هستند، بر اساس ترتیب زمانی می آوریم و در ادامه تعدادی از احادیث کتاب های معتبر از کسانی که این روایت را صحیح دانسته اند، نام می بریم و سخن را با بیان دو نکته در معنا و مفهوم حدیث شریف به پایان خواهیم برد.

حدیث کساء و صحابه

گروهی از بزرگان پیشوایان اهل سنت و حافظان حدیث، این روایت را از ده ها تن از صحابه پیامبر نقل کرده اند. ما تنها به ذکر نام شماری از آنان بسنده می کنیم:

۱. عائشه دختر ابی بکر،
۲. أم سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه وآله،
۳. عبدالله بن عباس،
۴. سعد بن ابی وقاص،
۵. ابوالدرداء،
۶. انس بن مالک،
۷. ابوسعید خدری،
۸. وائله بن اسقع،
۹. جابر بن عبدالله انصاری،
۱۰. زید بن ارقم،
۱۱. عمر بن ابی سلمه،
۱۲. ثوبان، خادم رسول خدا صلی الله علیه وآله.

حدیث کساء و علمای بزرگ اهل سنت

عالمان بسیاری از اهل سنت به نقل حدیث کساء پرداخته اند که اینک به ذکر نامدارترین آن ها بسنده می کنیم.

۱. احمد بن حنبل شیبانی، پیشوای حنبلی ها متوفای سال ۲۴۱ هـ.ق.
۲. عبد بن حمید کشی، متوفای سال ۲۴۹ هـ.ق.
۳. مسلم بن حجّاج نیشابوری، صاحب صحیح، متوفای سال ۲۶۱ هـ.ق.
۴. ابوحاتم محمد بن إدريس رازی، متوفای سال ۲۷۷ هـ.ق.
۵. محمد بن عیسی ترمذی، متوفای سال ۲۷۹ هـ.ق.
۶. احمد بن عبدالخالق بزّار، متوفای سال ۲۹۲ هـ.ق.
۷. احمد بن شعیب نسائی، متوفای سال ۳۰۳ هـ.ق.
۸. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، متوفای سال ۳۱۰ هـ.ق.
۹. ابوعبدالله محمد بن علی بن حسن بن بشر حکیم ترمذی، متوفای بعد از سال ۳۱۸ هـ.ق.
۱۰. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد بن ادريس رازی، متوفای سال ۳۲۷ هـ.ق.
۱۱. سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای سال ۳۶۰ هـ.ق.
۱۲. ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن محمد حاکم نیشابوری، متوفای سال ۴۰۵ هـ.ق.
۱۳. ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، متوفای سال ۴۳۰ هـ.ق.
۱۴. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، متوفای سال ۴۵۸ هـ.ق.
۱۵. ابوبکر احمد بن علی، معروف به خطیب بغدادی، متوفای سال ۴۶۳ هـ.ق.
۱۶. ابوالسعادات مبارک بن محمد، معروف به «ابن الأثیر جزری»، متوفای سال ۶۰۶ هـ.ق.
۱۷. شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، متوفای سال ۷۴۸ هـ.ق.
۱۸. جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، متوفای سال ۹۱۱ هـ.ق.

حدیث کساء در صحاح شش گانه و دیگر منابع حدیثی اهل سنت

همان طور که گذشت حدیث شریف کساء در کتاب های صحیح شش گانه، مسندها و دیگر منابع حدیثی نقل شده است.

اکنون گزیده ای از متن های مختلف این حدیث را که در کتاب های روایی نقل شده، با ذکر سند بازگو می کنیم.

البته آن چه نقل می کنیم فقط پاره ای از روایات است، چرا که ما همه آن چه را در مسند احمد یا المستدرک علی الصحیحین و یا کتاب های دیگر آمده است ذکر نکرده ایم، حتی از تفسیر طبری که این حدیث را از چهارده طریق نقل کرده است و هم چنین از بسیاری از منابع معتبر تفسیری، حدیثی و کتاب های مربوط به زندگینامه صحابه و... حدیثی نیآورده ایم.

به روایت احمد بن حنبل

حدیث شریف کساء در مسند احمد به چند طریق نقل شده است:

۱. عبدالله، از پدرش، از عبدالله بن نمیر، از عبدالملک (همان ابن ابی سلیمان)، از عطاء بن ابی رباح، چنین روایت می کند:

کسی که از اُم سلمه شنیده بود، برای من نقل کرد:

روزی پیامبر صلی الله علیه وآله^۳ در خانه من بود که حضرت فاطمه علیها السلام برای آن حضرت ظرفی از خزیره^۴ آوردند.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

أدعی زوجک وابنیک؛

همسر و دو فرزندت را نزد من بخوان.

حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام نزد ایشان آمدند و در حضور حضرتش نشستند و مشغول خوردن آن غذا شدند؛ در حالی که پیامبر صلی الله علیه وآله در جای خود نشسته بود و زیر ایشان عباپی خیری گسترده بود.

اُم سلمه می گوید: من در اتاق نماز می خواندم، در این هنگام خداوند این آیه را نازل کرد:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)^۵؛

خدا می خواهد آلودگی را فقط از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

پیامبر صلی الله علیه وآله اضافه عبا را گرفت و آنان را به زیر عبا آورد، سپس دست مبارکشان را بیرون آورد و به سوی

آسمان بلند نمود. آن گاه فرمود:

اللهم هؤلاء أهل بيتي وخاصتي، فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً؛

خداوند! اینان اهل بیت و نزدیکان خاص من هستند. پس هر گونه آلودگی را از ایشان بزدا و آنان را پاک و پاکیزه گردان.

اُم سلمه عرض کرد: من سر خود را داخل اتاق کردم و گفتم: ای رسول خدا! آیا من نیز با شما هستم؟

پیامبر صلی الله علیه وآله دو بار فرمود: تو عاقبت به خیر هستی.

عبدالملک می گوید: همین حدیث عطا را ابولیلی از اُم سلمه برای من نقل کرد.

باز عبدالملک می گوید: داوود بن ابی عوف جحّاف، از حوشب، از اُم سلمه این حدیث را عیناً برای من نقل کرد.^۶

۳. به رغم این که در منابع اهل سنت درود و صلوات پس از نام مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به صورت ناقص (ابترا) آمده است، ما طبق فرمایش حضرتش، درود و صلوات را به صورت کامل آورده ایم.

۴. خزیره غذایی است که با آب و آرد و ذرت پخته می شود. گفته شده: گوشتی قیمه شده است با آب زیاد که پس از پختن روی آن آرد پاشیده می شود. برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: العین: ۴ / ۲۰۷، الصحاح: ۲ / ۶۴۴، النهایة: ۲ / ۲۸؛ مادة «خزر».

۵. سوره احزاب: آیه ۳۳.

۶. مسند احمد: ۶ / ۲۹۲، هم چنین رک: تفسیر طبری: ۲۲ / ۹ - ۱۳، حدیث ۲۱۷۲۷ - ۲۱۷۳۹، المعجم الکبیر: ۳ / ۴۷، حدیث ۲۶۶۶، سنن ترمذی: ۵ /

۳۶۰ و ۳۶۱، حدیث ۳۹۶۳، فصل روایاتی که درباره فضایل فاطمه علیها السلام آمده است، اسباب النزول (واحدی): ۳۳۹، تفسیر ابن کثیر: ۳ / ۴۹۲، الدر

المنثور: ۵ / ۱۹۸؛ سیوطی گفته است: «این حدیث را ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی وابن مردویه؛ از اُم سلمه نقل کرده اند»، سیر اعلام

النبلأ: ۳ / ۲۵۴، زندگینامه امام حسن علیه السلام و ۱۰ / ۳۴۶، در آخر زندگینامه ابی الولید طلیالی، شماره ۴۸.

۲. عبدالله، از پدرش، از عفان، از حماد بن سلمه، از علی بن زید، از شهر بن حوشب^۷ از اُم سلمه چنین روایت می کند:

روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله به فاطمه علیها السلام فرمود: همسر و دو فرزندت را نزد من بیاور! فاطمه علیها السلام با آنان به نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد، پیامبر صلی الله علیه وآله عبایی فدکی را بر روی آنان انداخت. سپس دستش را بر روی آنان قرار داد و عرض کرد:

اللهمَّ إِنِّ هُوَ لَأَلِّ مُحَمَّدٌ، فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حميدٌ مجيدٌ؛

خدایا! اینان آل محمد هستند. صلوات و برکات خود را بر محمد و آل محمد بفرست، به راستی که تو حمید و مجید هستی.

اُم سلمه می گوید: آن گاه من عبا را بلند کردم تا من نیز زیر آن بروم.

اما رسول خدا صلی الله علیه وآله عبا را از دستانم کشید و فرمود:

إِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ؛^۸

تو عاقبت به خیر هستی (اما جزء اینان نیستی).

۳. عبدالله، از پدرش، از یحیی بن حماد، از ابوعوانه، از ابوبلج، از عمرو بن میمون این گونه نقل کرد: نزد ابن عباس بودم که ناگاه نه گروه آمدند و گفتند: ای ابن عباس! یا با ما برخیز برویم و یا آنان ما را با شما تنها گذارند.

ابن عباس گفت: من برمی خیزم و با شما می آیم.

راوی می گوید: ابن عباس در آن زمان هنوز سالم بود و نایبنا نشده بود.

آنان گردهم آمدند و مذاکره کردند، ولی ما از آن چه بین آن ها رد و بدل شد بی خبریم.

راوی می گوید: ناگاه ابن عباس در حالی که لباسش را به شدت تکان می داد آمد و می گفت: تف بر آن ها،

درباره فردی بدگویی می کنند که ده خصلت دارد، بدی کسی را می گویند که پیامبر صلی الله علیه وآله درباره او فرمود... .

آن گاه شماری از مناقب و فضایل حضرت علی علیه السلام را بیان کرد، از جمله گفت:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله پوشش خود را بر سر علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام کشید و فرمود:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)^۹؛

خدا می خواهد آلودگی را فقط از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.^{۱۰}

به روایت مسلم

۷. در نسخه چاپ شده ای که در اختیار ماست «حوشب» آمده است نه شهر بن حوشب.

۸. مسند احمد: ۶ / ۳۲۳.

۹. سوره احزاب: آیه ۳۳.

۱۰. مسند احمد: ۱ / ۳۳۰، هم چنین ر.ک: المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۱۳۲. در این منبع آمده است: «علی علیه السلام بیش از ده فضیلت دارد که هیچ

کس غیر از او این فضایل را ندارد»، تاریخ مدینه دمشق: ۴۲ / ۱۰۱، مجمع الزوائد: ۹ / ۱۱۹، باب فضائل امیر مؤمنان علی علیه السلام.

پیش تر گفتیم که مسلم نیز به نقل این حدیث پرداخته است. در صحیح مسلم چنین نقل شده است:
ابوبکر بن ابی شیبه و محمد بن عبدالله بن نمیر از محمد بن بشر، از زکریا، از مصعب بن شیبه، از صفیه دختر
شیبه این گونه نقل کرد: عایشه گفت:

روزی پیامبر صلی الله علیه وآله صبح زود از منزل خارج شد و عبای پشمینه ای نقش دار به رنگ سیاه بر دوش
داشت. در این هنگام حسن بن علی و آن گاه حسین بن علی آمدند، پیامبر آن ها را به زیر عبای خود برد، سپس فاطمه
آمد و ایشان را نیز زیر عبا گرفت، بعد از آن علی آمده و او را نیز در زیر عبا آورد. آن گاه فرمود:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)؛^{۱۱}

خدا می خواهد آلودگی را فقط از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.^{۱۲}

به روایت ابن اثیر

ابن اثیر این روایت در جامع الاصول به نقل های مختلف از ترمذی و مسلم نقل کرده است:
وی به نقل از ترمذی از أم سلمه رضی الله عنها نقل می کند که او می گوید: این آیه در خانه من نازل شد: (إِنَّمَا
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).

من در کنار در نشسته بودم و گفتم: ای رسول خدا! آیا من از اهل بیت نیستم؟
فرمود:

إِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ، أَنْتَ مِنْ أَزْوَاجِ رَسُولِ اللَّهِ؛

تو عاقبت به خیری، تو از همسران پیامبر خدا هستی.

أم سلمه می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام در خانه من بودند. پیامبر
آنان را با عبای خویش پوشاند و فرمود:

اللَّهُمَّ هُوَ أَهْلُ بَيْتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا؛

خداوند! اینان اهل بیت من هستند، هر گونه آلودگی را از ایشان دور ساز و آنان را پاک و پاکیزه گردان.

رزین نیز این روایت را نقل کرده است.

ترمذی در نقل دیگری می گوید:

روزی پیامبر صلی الله علیه وآله حسن، حسین، علی و فاطمه علیهم السلام را زیر عبا پوشاند و آن گاه فرمود:

اللَّهُمَّ هُوَ أَهْلُ بَيْتِي [وَحَامَتِي]، أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا؛

خدایا! اینان اهل بیت و نزدیکان خاص من هستند، هر گونه آلودگی را از ایشان دور ساز و آنان را پاک و پاکیزه گردان.

أم سلمه گفت: ای رسول خدا! من نیز با آنان هستم؟

فرمود:

۱۱ . سوره احزاب: آیه ۳۳.

۱۲ . صحیح مسلم: ۷ / ۱۳۰، کتاب فضائل الصحابه، فصل فضائل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله، (کتاب ۴۴، فصل ۹، حدیث ۶۱ / ۲۴۲۴).

إِنكَ إِلَى خَيْرٍ؛

تو عاقبت به خیر هستی.

ترمذی در نقل دیگری از عمر بن ابی سلمه نقل می کند که او می گوید: آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) در خانه امّ سلمه بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد. پیامبر، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فرا خواند و زیر عباى خویش آورد. علی علیه السلام نیز پشت سر حضرت بود. سپس فرمود:

اللَّهُمَّ هُوَ أَهْلُ بَيْتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا؛

بارالها! ایان اهل بیت من هستند، هر گونه آلودگی را از ایشان بزدا و آنان را پاک و پاکیزه گردان.

امّ سلمه گفت: ای پیامبر خدا! آیا من نیز با آنان هستم؟

پیامبر فرمود:

إِنكَ عَلَى مَكَانِكَ وَأَنْتَ عَلَى خَيْرٍ؛

تو منزلت خود را داری و عاقبت به خیر هستی.

ترمذی در نقل دیگری می نویسد:

انس بن مالک می گوید: هنگامی که آیه تطهیر نازل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نزدیک به شش ماه هر گاه برای نماز از خانه خارج می شد، از جلوی درب خانه فاطمه علیها السلام می گذشت و می فرمود: ای اهل بیت! بشتابید به سوی نماز.

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).

روایت دیگری را مسلم نیشابوری از عائشه نقل کرده است. وی می گوید:

پیامبر صلی الله علیه وآله از منزل خارج شد و در حالی که بر دوش خود عبایی از پشم سیاه و نقش و نگاردار داشت. حسن علیه السلام رسید و او را زیر عبا گرفت، اندکی بعد حسین علیه السلام آمد و او را نیز زیر عبا گرفت. سپس فاطمه علیها السلام آمد و ایشان را نیز زیر عبا گرفت. آن گاه علی علیه السلام آمد و او را نیز در زیر عبا آورد، سپس این آیه را خواند:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).^{۱۳}

به روایت نسائی

در کتاب الخصائص این گونه آمده است:

محمد بن المثنی از ابوبکر حنفی نقل می کند: بکیر بن مسمار می گوید: از عامر بن سعد شنیدم که می گفت:

معاویه به سعد ابن ابی وقاص گفت: چه چیزی باعث می شود فرزند ابوطالب را دشنام ندهی؟!

سعد گفت: تا زمانی که سه فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره او را به یاد می آورم، به وی دشنام نمی دهم،

که اگر یکی از آن ها در من بود از هر چیزی برایم ارزشمندتر بود.

۱۳ . جامع الأصول: ۹ / ۱۵۵ و ۱۵۶.

تا زمانی که به خاطر می آورم وحی بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد و ایشان علی، فاطمه و دو فرزند او را زیر پوشش خود آورد و فرمود:

رَبِّ هَوَّلَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَأَهْلِي؛

پروردگارا! اینان اهل بیت و خاندان من هستند.

او را دشنام نمی دهم.

تا زمانی که به یاد می آورم در یکی از جنگ ها او را جانشین خود کرد... به او دشنام نمی دهم.

تا زمانی که نبرد خیبر را به خاطر می آورم... او را دشنام نمی دهم.^{۱۴}

هم چنین در الخصائص آمده است:

قتیبۀ بن سعید بلخی و هشام بن عمار دمشقی از حاتم، از بکیر بن مسمار، از عامر بن سعد بن ابی وقاص نقل می کنند که معاویه به سعد امر کرد و [چون دید که او اطاعت نمی کند به او] گفت: چه چیزی باعث می شود که تو ابوتراب را دشنام ندهی؟!

سعد گفت: تا زمانی که سه فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره او را به یاد می آورم، به وی دشنام نمی دهم، که اگر یکی از آن ها در من بود از هر چیزی برایم ارزشمندتر بود:

شنیدم پیامبر صلی الله علیه وآله در یکی از جنگ ها که او را جانشین خود کرد و به او فرمود:...

شنیدم در جنگ خیبر فرمود:...

و هنگامی که آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) بر پیامبر صلی الله

علیه وآله نازل شد، ایشان علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و چنین عرضه داشت:

اللَّهُمَّ هَوَّلَاءِ أَهْلِ بَيْتِي؛^{۱۵}

پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند.

البته ابن حجر عسقلانی در فتح الباری این حدیث را با نقل دوم و در شرح حدیث: «أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون...؛ آیا خشنود نیستی که تو برای من، منزلت هارون برای موسی را داشته باشی؟» آورده است.

وی می گوید: در روایت عامر بن سعد بن ابی وقاص که مسلم و ترمذی نقل کرده اند، آمده است: معاویه به سعد گفت: چه چیزی باعث می شود که تو ابوتراب را دشنام ندهی؟!

سعد پاسخ داد: تا زمانی که سه فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره او را به یاد می آورم، به وی دشنام نمی دهم.

آن گاه سعد به نقل سه فرمایش از رسول خدا صلی الله علیه وآله پرداخت. اول: همین حدیث (حدیث منزلت).

دوم: فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرمود:

۱۴ . خصائص علی علیه السلام: ۵۶ حدیث ۵۱.

۱۵ . خصائص علی علیه السلام: ۲۳ و ۲۴ حدیث ۹.

لأعطين الراية رجلاً يحبّه الله ورسوله؛

پرچم را به رادمردی می دهم که خدا و رسولش او را دوست دارند.

سوم: آن حضرت به هنگام نزول آیه: (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ)؛^{۱۶} «بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان

را فراخوانیم...» علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و فرمود:

اللهم هؤلاء أهلي؛^{۱۷}

بارالها! اینان اهل من هستند.

گفتنی است که این نقل (ذکر دعای رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از آیه میاهله، نه آیه تطهیر) یا تحریف حدیث

است و یا بر تکرار و نقل متعدد آن حمل می شود.

هم چنین در الخصائص، حدیث عمرو بن میمون از ابن عباس که پیش تر از مسند احمد بن حنبل ذکر شد، نقل

شده است.^{۱۸}

به روایت حاکم نیشابوری

در المستدرک علی الصحیحین نیز آمده است:

ابوعباس محمد بن یعقوب، از عباس بن محمد دوری، از عثمان بن عمر، از عبدالرحمان بن عبدالله بن دینار، از

شریک بن ابی نمر، از عطاء بن یسار نقل می کند که أم سلمه رضی الله عنها می گوید:

آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ) در خانه من نازل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله علی،

فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و فرمود:

اللهم هؤلاء أهل بيتي؛

بارالها! اینان اهل بیت من هستند.

أم سلمه گفت: ای رسول خدا! من از اهل بیت نیستم؟

پیامبر فرمود:

إنك أهلي خير هؤلاء أهل بيتي، اللهم أهلي أحق؛^{۱۹}

تو اهل من و بر نیکی هستی و ایشان اهل بیت من هستند. بارالها! اهل من سزاوارترند.

۱۶ . سوره آل عمران: آیه ۶۱

۱۷ . فتح الباری - شرح صحیح بخاری: ۷ / ۹۳.

۱۸ . خصائص علی علیه السلام: ۳۴، حدیث ۲۳.

۱۹ . در المستدرک علی الصحیحین چنین چاپ شده است؛ اما همان طور که در برخی از روایات آمده، به نظر می رسد عبارت به این صورت بوده: «إنك

لعلي خير؛ تو بر خیر و نیکی هستی». برای آگاهی بیشتر برای نمونه رک: شواهد التنزیل: ۲ / ۳۸، حدیث ۶۸۵ و ۶۱ حدیث ۶۸۳، تاریخ بغداد: ۱۰ /

۲۷۷، شماره ۵۳۹۶ زندگی نامه عبدالرحمان بن علی بن خشرم مروزی.

حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث چنین می نگارد:

این حدیث طبق مبنای بخاری، روایتی صحیح به شمار می آید. اما بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند. حاکم نیشابوری روایت دیگری را در این زمینه نقل می کند. ابوعباس محمد بن یعقوب، از عباس بن ولید بن مزید، از پدرش، از اوزاعی، از ابوعمار نقل می کند که واثله بن اسقع گفت:

در جست و جوی علی علیه السلام بودم و او را نیافتم، فاطمه علیها السلام فرمود: بنشین، او نزد پیامبر صلی الله علیه وآله رفته است تا ایشان را دعوت نماید.

علی علیه السلام همراه پیامبر صلی الله علیه وآله آمدند و وارد خانه شدند. من نیز همراه آنان وارد خانه شدم. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله حسن و حسین علیهما السلام را فراخواند و هر دوی آنان را روی زانو نشاند و فاطمه و علی علیهما السلام را به کنار خود نزدیک نمود، سپس عبای خویش را بر سر آنان کشید و من نیز می نگریستم، آن گاه فرمود:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا). اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي؛

«خدا می خواهد آلودگی را فقط از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند». بارالها! اینان اهل بیت من هستند.

مسلم و بخاری این حدیث را نقل نکرده اند، اما این حدیث بر اساس معیارهای مسلم، صحیح است.^{۲۰}

شمس الدین ذهبی نیز در تلخیص المستدرک، با این دیدگاه حاکم نیشابوری موافقت کرده است.

ذهبی در سیر أعلام النبلاء، روایتی را به سندی که ذکر می کند از شهر بن حوشب، از ام سلمه حدیث کساء را نقل می کند. در آن حدیث آمده است:

أُمُّ سَلْمَةَ مِيْ غَوِيْد: مَن سَرَم رَا دَاخِلَ عِبَا كَرْدَم وَ پَرَسِيْدَم: اِي رَسُوْل خَدَا! مَن نِيْز هَمْرَاه شَمَا هَسْتَم؟
پیامبر دو بار فرمود:

أَنْتَ إِلَى خَيْرٍ؛

تو عاقبت به خیر هستی.

ذهبی در ادامه می گوید:

ترمذی این روایت را به طور خلاصه آورده و سند آن را از طریق ثوری به نقل از زبید، از شهر بن حوشب، صحیح دانسته است.^{۲۱}

به روایت ابن حجر هیتمی

در کتاب الصواعق المحرقة نیز چنین آمده است:

... خدَاوَنْد مِي فَرْمَايْد: **(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).**

بیشتر مفسران بر این نظر هستند که به دلیل آمدن ضمیر مذکر در عبارت (عَنكُمْ) و پس از آن، باید گفت: این

آیه درباره علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.^{۲۲}

۲۰ . المستدرک علی الصحیحین: ۲ / ۴۵۱، حدیث ۳۵۵۸، کتاب التفسیر.

۲۱ . سیر أعلام النبلاء: ۱۰ / ۳۴۶ در پایان زندگانی ابی الولید طیلالی، شماره ۴۸.

حدیث آیه تطهیر و تأیید کنندگان صحت آن

گذشته از نقل این حدیث شریف در منابع اهل سنت، گروهی از پیشوایان آنان به صحت این حدیث معتقد شده اند که بیان گر اختصاص آیه کریمه به اهل بیت علیهم السلام است؛ چرا که یا روایت یادشده را در صحیح خود آورده اند و یا به درستی و صحت آن تصریح کرده اند. از این افراد می توان به اسامی ذیل اشاره کرد.

۱. احمد بن حنبل شیبانی؛ چرا که وی در کتاب المسند، به نقل روایات صحیح پایبند بوده است.
۲. مسلم بن حجاج؛ چرا که او در صحیح آن را نقل کرده است.
۳. ابن حبان؛ او نیز این روایت را در صحیح خود نقل کرده است.
۴. حاکم نیشابوری؛ چون در المستدرک علی الصحیحین، به صحت آن تصریح نموده است.
۵. شمس الدین ذهبی؛ چون در تلخیص المستدرک به پیروی از حاکم نیشابوری آن را صحیح دانسته است.
۶. ابن تیمیّه حرّانی؛ وی می گوید: حدیث کساء صحیح است؛ احمد بن حنبل و ترمذی این حدیث را از امّ سلمه روایت نموده اند و مسلم در صحیح از عائشه نقل کرده است...^{۲۳}

دلالت های احادیث آیه تطهیر

احادیث نقل شده در صحیح ها، مسندها و کتاب های حدیثی با سندهای صحیح و بسیار زیاد، دو نکته را آشکار می نمایند:

منظور از اهل بیت چه کسانی هستند؟

نکته یکم. مقصود از «اهل بیت» در آیه مبارکه، پیامبر صلی الله علیه وآله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند و هرگز شامل همسران پیامبر و دیگران نمی شود.

دلیل این که همسران پیامبر صلی الله علیه وآله مصداق این آیه شریفه نبوده اند، این است که این احادیث تصریح می کنند پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به هیچ یک از آنان اجازه ورود به زیر عبا را نداد.

دلیل عدم شمول این آیه برای غیر از همسران پیامبر صلی الله علیه وآله این است که پیامبر صلی الله علیه وآله فقط به فاطمه علیها السلام امر فرمود که همسر و دو فرزندت را بیاور و اگر به شخص دیگری نظر داشتند - حتی از خاندان نبوت - دستور احضار آن افراد را نیز می دادند.

نزول آیه در موضوع خاص

نکته دوم. این آیه مبارکه در موضوع مشخص و حادثه معینی نازل شده است و به عبارات پیش و پس از خود، هیچ ارتباطی ندارد.

۲۲. الصواعق المحرقة: ۸۵.

۲۳. منهاج السنه: ۵ / ۱۳

از طرفی، هیچ منافاتی با وقوع این آیه بین آیات متعلق به همسران پیامبر ندارد؛ همان گونه که بسیاری از آیات مدنی بین آیات مکی هستند و بر عکس... .

شاهد این مدعی چنین است:

نخست آن که در عبارات «عنکم» و «یطهّركم» از ضمیر جمع مذکر استفاده شده و در قرآن کریم «عنکن» و «یطهّرن» نیامده است.

دوم آن که آیات قبل از آیه تطهیر با آیات پس از آن، با یکدیگر پیوستگی دارند. به صورتی که اگر آیه تطهیر برداشته شود معنای آیه دچار نقصان نمی شود... .

پس هم چنان که مخفی نیست، عبارت «إنما یرید الله...» نه پایان آیه، نه آغاز آیه است.

افزون بر این ها، پاسخ بسیار دقیق و زیبای پیامبر صلی الله علیه وآله است که در حدیث، برای پرسش امّ سلمه فرمود.

او پرسید: «آیا من از اهل بیت نیستم؟»

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

أنت من أزواج رسول الله؛

تو از همسران رسول خدا هستی.

این پاسخ بیان می دارد که مفهوم و مصداق عنوان «اهل البیت» و عنوان «الازواج» یا «نساء النبی» به طور کامل با یکدیگر تفاوت دارند.

بنابراین، آیات سوره احزاب که با «یا نساء النبی»^{۳۴} آغاز می شوند به «همسران» اختصاص دارند و در این میان، آیه: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**) به «عترت پاک پیامبر» مربوط است.

وانگهی، حدیث گذشتن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از جلوی درب خانه فاطمه علیها السلام و فرمایش ایشان، قرینه دیگری است که این آیه درباره پنج تن آل عبا نازل شده است. همان حدیثی که در آن آمده: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله از جلو درب خانه حضرت زهرا علیها السلام می گذشت و می فرمود:

الصلاة أهل البيت (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)؛

ای اهل بیت! بشتابید به سوی نماز «خدا می خواهد آلودگی را فقط از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند».

راویان بسیاری این حدیث را نقل کرده اند که با ذکر این روایات سخن را به درازا نمی کشیم.

۳۴ . سوره احزاب: آیه ۳۰ و ۳۱.

بخش دوم

آیه تطهیر و نادرستی دو دیدگاه دیگر

اثبات نادرستی دو دیدگاه دیگر

با این احادیث صحیح که همه مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند دو نظریه دیگر درباره مقصود از «اهل بیت» در این آیه، ردّ می شود؛ چرا که ثابت شد که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله خود در گفتار و کردار، این آیه مبارکه را تفسیر کردند و افراد مورد نظر آن را مشخص نمودند...

با این وجود، تفسیری غیر از این تفسیر، ارزش شنیدن ندارد، حال مفسّر هر که می خواهد باشد، تا چه رسد به این که قائل آن، افرادی هم چون مقاتل و عکرمه باشند. آنان دیدگاه اول را مطرح می کنند و می گویند: مراد این آیه، همسران پیامبر صلی الله علیه وآله است.

ضحاک نیز با وجود این دلایل، می گوید: مراد این آیه، همسران پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل ایشان است. هر چند در فصل پیشین بیان کردیم که در روایات مشخص شده منظور از اهل بیت چه کسانی هستند، اما باز این دو دیدگاه مخالف را نقد می نمایم و به آن ها پاسخ می دهیم:

آیه تطهیر و دیدگاه نادرست عکرمه

آیا مقصود از اهل بیت، همسران پیامبرند؟

عکرمه با این حقیقت که نزول این آیه تنها درباره عترت پاک پیامبر صلی الله علیه وآله است از هر کسی بیشتر مخالف بود.

درباره او نقل شده که در بازارها بانگ می زد: این آیه تنها در شأن همسران پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده است.^{۲۵}

وی می گفت: هر کس بخواهد با او مباحله می کنم، زیرا حق با من است و این آیه در شأن همسران پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده است.^{۲۶}

اعتقاد به این که این آیه درباره عترت پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده اعتقاد همه مسلمانان بوده است، همان طور که از این الفاظ بر می آید، حتی عکرمه نیز خودش به صراحت، این سخن را تأیید می کند. او می گوید: «آن چه که شما معتقدید، صحیح نیست، بلکه مقصود فقط همسران پیامبر صلی الله علیه وآله هستند».^{۲۷}

از این گذشته، پیروی از عکرمه، آن هم در چنین مقامی جایز نیست.

۲۵ . تفسیر طبری: ۱۰ / ۲۹۸، حدیث ۲۸۵۰۳، تفسیر ابن کثیر: ۳ / ۴۶۵، أسباب النزول: ۱۹۸.

۲۶ . الدر المنثور: ۶ / ۶۰۳، تفسیر ابن کثیر: ۳ / ۴۶۵.

۲۷ . همان: ۶ / ۶۰۳.

نگاهی به شرح حال عکرمه

عکرمه بربری^{۲۸} از مشهورترین زندیقانی بود که برای وارد کردن خدشه به اسلام روایت جعل می کرد. اکنون گوشه ای از زندگی نامه او را برپایه کتاب های معتبر و مشهور بیان می کنیم.^{۲۹}

۱. شبیهه پراکنی او در دین

نقل کرده اند که این مرد در اسلام شبیهه می افکند، دین را تمسخر می نمود و از مشهورترین گمراهان و بدخواهان بود... .

از او چنین نقل شده که می گفت: خداوند آیات متشابه قرآن را نازل کرده تا به وسیله آن گمراه کند! وی در موسم حج نیز گفته است: دوست داشتم امروز در موسم بودم و با نیزه ای که در دست داشتم به حاضران در موسم - از چپ و راست - حمله‌ور می شدم.

او در مقابل درب مسجدالنبی ایستاد و گفت: در این مسجد، فقط مُشتی کافر وجود دارد! گفته اند: او نماز نمی خواند، انگشتی طلا به دست داشت، نرد^{۳۰} بازی می کرد و به غنا و آوازه خوانی گوش می داد.

۲. او از هواداران خوارج بود

اهل آفریقا عقیده صفریه - خوارج افراطی - را از عکرمه گرفته اند. نقل کرده اند که او این عقیده را به دروغ به ابن عباس نسبت داده است!

یحیی بن معین می گوید: مالک، نام عکرمه ذکر نکرده است؛ چرا که عکرمه عقیده فرقه صفریه را پذیرفته بود. ذهبی درباره او می گوید: مردم از عکرمه، به دلیل اعتقاد به باورهای خوارج، بدگویی می کردند.

۳. دروغ گو بودن او

عکرمه دروغی را به ابن عباس ارباب و صاحب خود نسبت داد. به همین دلیل علی بن عبدالله بن عباس او را به در مستراح خانه بست.

به پسر ابن عباس گفته شد: چرا با غلام خود این گونه رفتار می کنید؟

او پاسخ داد: وی به پدرم نسبت دروغ می دهد.

نقل شده: سعید بن مسیب به غلام خود گفت: ای برد! مبادا مانند عکرمه که به ابن عباس نسبت دروغ می دهد

تو نیز به من نسبت دروغ دهی؟!

۲۸. بربر به قوم برابر که در مغرب آفریقا زندگی می کنند منسوب است. ر.ک: فرهنگ ابجدی: ۱ / ۱۸۰.

۲۹. برای آگاهی بیشتر در شرح حال عکرمه ر.ک: الطبقات الكبرى: ۵ / ۲۱۹، الضعفاء الكبير: ۳ / ۳۷۳، تهذیب الکمال: ۱۳ / ۱۶۳، وفيات الأعيان: ۳ /

۲۶۵، میزان الاعتدال: ۵ / ۱۱۶، المغنی فی الضعفاء: ۲ / ۸۴، سیر أعلام النبلاء: ۵ / ۱۲، شماره ۹، تهذیب التهذیب: ۷ / ۲۶۳ - ۲۷۳.

۳۰. نرد: نوعی بازی است که وسیله دو طاس و سی مهره بر روی تخته نرد یا صفحه ای مقوایی انجام می شود. ر.ک: فرهنگ معین: ۴ / ۳۴۲۸.

از پسر عمر نیز نقل شده که به غلام خود گفت: آگاه باش ای نافع! تقوای خدا پیشه کن و مانند عکرمه که به ابن عباس دروغ نسبت داده، به من نسبت دروغ نده!

از قاسم نیز درباره عکرمه چنین نقل شده: او بسیار دروغ گو است.

همین موضوع از ابن سیرین و یحیی بن سعید نیز نقل شده است.

مالک نیز او را دروغ گو می دانست.

از ابن ابی ذئب نقل شده که می گفت: عکرمه غیر قابل اعتماد است.

مالک نقل روایت از او را حرام کرد.

مسلم بن حجاج نیز از او روی گردانده است.

محمد بن سعد درباره عکرمه می گوید: به احادیث او نمی شود استناد کرد.

۴ . مردم جنازه او را رها کردند

به همین دلایل و دلایل دیگر، مردم جنازه او را رها کردند. گفته شده: هیچ کس جنازه او را حمل نکرد تا آن جا که چهار غلام سیاه پوست سودانی را برای این کار اجیر کردند.

نگاهی به شرح حال مقاتل

مقاتل بن سلیمان بلخی نیز دیدگاه عکرمه را درباره آیه تطهیر مطرح کرده است. شرح حال او نیز همانند شرح حال عکرمه است؛ چرا که دارقطنی، عقیلی، ابن جوزی و ذهبی نام او را در شمار افرادی که از نظر نقل حدیث ضعیف هستند و نمی توان از آن ها روایت نقل کرد، آورده اند... .

ما در این مجال به گفته ذهبی بسنده می کنیم. وی می گوید: همه علما بر ترک مقاتل بن سلیمان اتفاق نظر دارند.^{۳۱}

آیه تطهیر و دیدگاه نادرست ضحاک

بنا به دیدگاه دیگر، منظور از «اهل بیت» در آیه شریفه، هم اهل پیامبر و هم همسران ایشان، هستند.

ابن جوزی این دیدگاه را آورده و آن را فقط به ضحاک بن مزاحم نسبت داده است.

نگاهی به شرح حال ضحاک

ابن جوزی، مانند عقیلی نام ضحاک را در شمار افرادی که از نظر نقل حدیث ضعیف هستند، ذکر کرده است. ذهبی نیز به پیروی از ابن جوزی دو او را در شمار افرادی که از نظر نقل حدیث ضعیفند به حساب آورده و نام او را در کتاب المغنی فی الضعفاء ذکر کرده است... .

آن ها احتمال این که ضحاک، ابن عباس را دیده منتفی می دانند، بلکه برخی از آنان گفته اند: ضحاک حتی با یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله نیز گفت و گو نکرده است.

۳۱ . سیر أعلام النبلاء: ۷ / ۲۰۱، شماره ۷۹.

از یحیی بن سعید درباره ضحاک چنین نقل شده است: از نظر ما ضحاک از جهت نقل حدیث ضعیف است.

گفته اند: او تا دو سال در شکم مادرش بوده است!^{۳۲}

از این گذشته، در این که دیدگاه بالا به ضحاک نسبت داده می شود و دیدگاه اول به ابن السائب کلبی، محل درنگ و تردید است؛ چرا که در منابع، دیدگاه اختصاص این آیه به پنج تن آل عبا به این دو نسبت داده شده است، که ما در ردی که بر سالوس، یکی از اساتید دانشگاه قطر، مطرح کرده ایم صحت این نسبت را ثابت کردیم.^{۳۳}

۳۲ . تهذیب الکیمال: ۹ / ۱۷۳، میزان الاعتدال: ۳ / ۴۴۶، المغنی فی الضعفاء: ۱ / ۳۱۲.

۳۳ . ر.ک: مع الدكتور سالوس فی آیه التظہیر شماره ۱۸ از سلسله کتاب های اعرف الحق تعرف اهله از همین نگارنده.

بخش سوم

آیه تطهیر و عصمت اهل بیت

سه نکته مهم

علمای شیعه پس از روشن شدن اختصاص این آیه از طریق احادیث متواتر شیعه و اهل تسنن، به اهل بیت علیهم السلام برای اثبات عصمت اهل بیت علیهم السلام به این آیه استناد می کنند.

این استدلال به طور مفصل در کتاب های ایشان که درباره اعتقادات و موضوع امامت تألیف شده و هم چنین در کتاب های تفسیری ذیل این آیه مبارکه، آمده است. ما این استدلال را به طور خلاصه و در قالب نکات زیر می آوریم:

۱. کلمه «إنما» در این آیه معنای حصر می دهد. به این معنا که خداوند اراده کرده که آلودگی و رجس را فقط از ایشان (نه دیگران) بزدايد.

۲. «اراده» در این آیه اراده تکوینی است. مانند آیه مبارکه ای که می فرماید:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^{۳۴}

هر گاه او چیزی را اراده کند فرمانش این چنین است که تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود!

این اراده، تشریحی نیست؛ مانند اراده ای که در آیه دیگری می فرماید:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾^{۳۵}

خداوند، راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را!

چرا که اراده تشریحی با تصریح آیه بر انحصار، منافات دارد؛ چون تشریح احکام هیچ گونه اختصاصی به اهل بیت علیهم السلام ندارد.

هم چنین اراده تشریحی با احادیث نیز منافات دارد؛ چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، اهل بیت علیهم السلام را مصادیق این آیه معرفی کرد، نه فرد دیگری را.

۳. منظور از رجس و آلودگی در این آیه مطلق «گناه» و «نقص» است.

اراده تکوینی و شبهه جبر

۳۴. سوره یس: آیه ۸۲.

۳۵. سوره بقره: آیه ۱۸۵.

برخی گفته اند: اراده تکوینی دلیل بر عصمت است؛ چرا که تخلف از اراده خداوند متعال، محال است، اما این امر همان پایبندی به جبر و عدم اختیار است، امری که شیعه امامیه به آن اعتقاد ندارد.
پاسخ از شبهه:

علمای ما به این شبهه - بر اساس نظریه «لا جبر ولا تفویض بل أمر بین الأمرین» - این گونه پاسخ داده اند: از آن جایی که خداوند متعال آگاهی دارد از این که اراده اهل بیت با اراده او مطابقت دارد و این که به جز خواست او چیزی نمی خواهند و انجام نمی دهند، زیرا آن ها در مراتب معرفت و عبودیت به جایی رسیده اند که جز اراده خداوند متعال چیزی را اراده نمی کنند.

پس خداوند متعال از اراده تکوینی خود اجبار می کند که رجس را از آنان دور داشته و این که آن ها کارهایی را که به اختیار خود انجام می دهند در مسیر اراده خداوند متعال است.

اما دیگر مردم که این حالات را ندارند، اراده خداوند به زدودن پلیدی از آن ها تعلق نگرفته است. این امر که خداوند متعال به حسن اختیار کسی در آینده ترتیب اثر دهد و قبل از تحقق آن به او تفضلی نماید، در قرآن کریم نمونه هایی دارد، از جمله خداوند متعال در آیه ای می فرماید:

(وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ)^{۳۶}

برخی از آنان را به خاطر صبور بودن و یقین به آیات الهی، پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می کنند.

در تفسیر این آیه چنین آمده است:

خداوند از آن جایی که می دانسته آنان در برابر مصایب وارده صبر خواهند کرد، آنان را پیشوا قرار داده است.^{۳۷} از این گذشته، اگر آیه تطهیر بر این جایگاه والا برای اهل بیت علیهم السلام دلالت نداشت، دشمنان آنان از جمله خوارج و ناصیبان، در انکار آن سعی نمی کردند.

به راستی اگر چنین نیست، چرا عدّه ای پاره فراتر می گذارند و با آن که هیچ کس جز پنج تن آل عبا علیهم السلام ادّعا نکرده که این آیه در شأن خودش نازل شده است، این آیه را به دیگران نسبت می دهند؟!

۳۶ . سوره سجده: آیه ۲۴.

۳۷ . تفسیر القمی: ۲ / ۱۷۰.

بخش چهارم

معنای آیه تطهیر

و تناقض گویی علمای اهل سنت

معنای آیه تطهیر و سه گروه از علمای اهل سنت

گروهی از دانشمندان اهل سنت، با وجود درک معنا و مفهوم آیه مبارکه تطهیر و احادیث نقل شده درباره آن، به حقیقت اعتراف نمی کنند؛ زیرا از یک سو با اعتراف به این معنا، این آیه عقاید آنان را در اصول و فروع از بیخ و بن ریشه کن می کند... .

از سوی دیگر، خود را به «سنت پیامبر» نسبت داده اند و ادعای عمل به آن و پیروی از آن را دارند... از این رو در این آیه دچار اضطراب و تشویش شده اند و عبارات علمای اهل سنت با یک دیگر سازگاری ندارد تا آن جا که مشاهده می شود یک عالم در کلام خود دچار تناقض گویی شده است... .

علمای اهل سنت درباره معنای آیه تطهیر به سه گروه تقسیم شده اند:

گروه نخست با شیعه امامیه اتفاق نظر دارند و در واقع از سنت اثبات شده پیامبر صلی الله علیه وآله پیروی کرده اند و در خصوص این مقام به آن عمل نموده اند.

گروه دوم با عکرمه خارجی و مقاتل همراه شده اند. مقاتل، همان فردی که به گفته ذهبی همه بر روی گرداندن از وی اتفاق نظر داشته اند.

گروه سوم نیز بر خلاف نظر رسول خدا صلی الله علیه وآله و بزرگان صحابه، به دیدگاه ضحاک عمل کرده اند. همان کسی که به اعتراف علمای رجال اهل سنت، از نظر نقل روایت ضعیف است. ما از هر کدام از این گروه های سه گانه یک یا دو نفر را ذکر می کنیم:

نمونه ای از گروه اول

ابوجعفر احمد بن محمد بن سلامه مصری حنفی طحاوی متوفای ۳۲۱ هـ^{۳۸} در این زمینه در کتاب مشکل الآثار بابی را این گونه عنوان می کند:

۳۸ . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او همراه با ستایش زیاد ر.ک: طبقات ابی اسحاق شیرازی: ۱۳۳، المنتظم: ۸ / ۱۲۶، وفيات الاعیان: ۱ / ۷۱، تذکره الحفاظ: ۳ / ۸۰۸، الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه: ۱ / ۲۷۱، غایة النهایة فی طبقات القراء: ۱ / ۱۱۶، حسن المحاضرة و طبقات الحفاظ: ۳۳۷، و... . شمس الدین ذهبی با این القاب او را یاد می کند:

«طحاوی پیشوای علامه، حافظ بزرگ حدیث، محدث و فقیه سرزمین مصر».

آن گاه درباره وی می گوید: «ابوسعید ابن یونس از او یاد کرده و گفته: او از قبیله حجر الازد بود، وی مورد اعتماد و فقیه و عاقل بود، و بعد از او ماندنش نیامد».

ذهبی در ادامه می گوید: «هر کس به تألیفات او بنگرد به جایگاه علمی و وسعت دانش او پی می برد...». سیر أعلام النبلاء: ۱۵ / ۲۷ - ۳۲، شماره ۱۵.

باب توضیح روایتی که از رسول خدا صلی الله علیه وآله در تعیین افراد مورد «نظر آیه مبارکه: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) نقل شده است».

آن گاه در تحت این عنوان این حدیث را نقل می کند:

ربیع مرادی، از اسد بن موسی، از حاتم بن اسماعیل، از بکیر بن مسمار، از عامر بن سعد، از پدرش چنین نقل می کند: سعد می گوید:

هنگامی که آیه تطهیر نازل شد پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و فرمود:

اللهم هؤلاء أهل بيتي؛

بارالها! اینان اهل بیت من هستند.

طحاوی در ذیل این حدیث می گوید:

از این حدیث استفاده می شود منظور از آن چه در آیه آمده، رسول خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند.

او در ادامه از فهد، از عثمان بن ابی شیبه، از جریر بن عبدالحمید، از اعمش، از جعفر، از عبدالرحمان بجلی، از حکیم بن سعید نقل می کند که أم سلمه گفت: آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) درباره رسول خدا صلی الله علیه وآله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.

او بعد از نقل کلام أم سلمه می گوید: از این حدیث نیز همان مطلب استفاده می شود که از حدیث اول استفاده می شد.

طحاوی در ادامه، این واقعه را با سندهای مختلف از أم سلمه نقل می کند که در آن به صراحت نشانه های اختصاص این آیه به اهل بیت پیامبر علیهم السلام وجود دارد، مانند حدیثی که أم سلمه در آن پرسیده: «آیا من نیز با آنان هستیم؟»

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

أنت من أزواج النبي وأنت على خير أو إلى خير؛

تو از همسران پیامبر و زن خوبی هستی.

یا آن که فرمود: تو عاقبت به خیر هستی.

در حدیث دیگر أم سلمه می گوید: گفتم: ای رسول خدا! آیا من از اهل بیت هستیم؟ فرمود:

إن لك عند الله خيراً؛

برای تو در نزد خداوند خیر وجود دارد.

اُمّ سلمه می گوید: دوست داشتم که پیامبر در پاسخ من بفرماید: آری. چون چنین پاسخی برای من از شرق و غرب جهان دوست داشتنی تر بود.

هم چنین در حدیث دیگری اُمّ سلمه می گوید: من عبا را بلند کردم که به آنان بپیوندم. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله آن را کشید و فرمود:

اِنَّكَ عَلِيٌّ خَيْرٌ

تو عاقبت به خیر هستی!

طحاوی در ادامه می نویسد:

روایاتی که در آن رسول خدا صلی الله علیه وآله اُمّ سلمه را مخاطب خود قرار داده اند دلالت دارند بر این که اُمّ سلمه از کسانی نبوده که مقصود این آیه هستند و مقصود از آن چه در آیه آمده است رسول خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند، نه افراد دیگری.

طحاوی در میان احادیثی که در این باب ذکر کرده حدیثی را از اُمّ سلمه آورده که در آن پیامبر صلی الله علیه وآله به اُمّ سلمه فرمود:

اَنْتَ مِنْ اَهْلِی

تو از اهل من هستی.

وی برای رفع تعارض میان این روایت و روایات دیگر که با کمال صراحت اهل بیت را به خمسه طیبه مختص می نماید می گوید: از چیزهایی که مقصود سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله با اُمّ سلمه «تو از اهل من هستی» را روشن می سازد، حدیثی است که محمّد بن حجاج حصرمی و سلیمان کیسانی نقل کرده و گفته اند: بشر بن بکر، از اوزاعی از ابوعمار، از واثله نقل می کند... واثله گفت: عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من از اهل تو هستم؟ رسول خدا فرمود:

وَاَنْتَ مِنْ اَهْلِی

تو از اهل من هستی.

واثله گفت: این، از بزرگ ترین آرزوهای من است!

در حالی که واثله به پیامبر صلی الله علیه وآله دورتر از اُمّ سلمه به ایشان بود، چرا که او تنها مردی از بنی لیث بود، نه از قریش و جایگاه اُمّ سلمه در قریش جایگاهی است که به سبب آن همسر پیامبر صلی الله علیه وآله گردیده است. فرمایش پیامبر صلی الله علیه وآله به واثله: «تو از اهل من هستی» به این معناست که به خاطر پیروی تو از من و ایمانت به من در گروه من وارد شدی.

خداوند متعال در قرآن آیه ای نازل کرده که به همین معنا دلالت می کند، آن جا که می فرماید:

(وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي)^{۳۹}؛

و نوح پروردگار خود را خواند و گفت: پروردگارا! پسر من از اهل من است.

خدای سبحان در پاسخ نوح علیه السلام فرمود:

(إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ)^{۴۰}؛

او از اهل تو نیست.

کسی که با دین او موافق باشد از اهل اوست؛ حتی اگر از خویشان نسبی او نباشد.

احتمال دارد پاسخ پیامبر صلی الله علیه وآله به امّ سلمه نیز به همین معنا و مانند پاسخ پیامبر صلی الله علیه وآله به واثله باشد.

آن گاه طحاوی می افزاید: حدیث سعد و احادیثی که همراه آن در ابتدای این بخش آوردیم، روشن می کند که چه کسانی اهل آیه مذکور هستند. چرا که می دانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله هنگامی که اهل خود را در وقت نزول آیه فراخواند، از اهل مورد نظر آیه هیچ کس به جز خمره طیبه کسی باقی نماند، از این رو، محال است کسی جز خمره طیبه در مراد آیه داخل باشد.

در روایاتی که ذکر کردیم دلیل مطالبی که گفتیم وجود دارد.

اگر کسی بگوید: قرآن خود دلالت می کند که مقصود این آیه همسران پیامبر صلی الله علیه وآله هستند. زیرا پیش از این عبارات، خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه وآله می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ...) ^{۴۱} و همه این ها بر این دلالت دارد که مقصود از آیه تطهیر همسران پیامبر هستند؛ چون مورد خطاب در این آیات زنان هستند، نه مردان و پس از این آیات، می فرماید (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ).

در پاسخ او می گوییم:

مخاطب این آیه تا قبل از عبارت (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ)، همسران پیامبر هستند. سپس مورد خطاب این آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...) اهل پیامبر صلی الله علیه وآله هستند که در آن، عبارت به صورت خطاب برای مردان آورده شده است، چرا که خطاب با ضمیر «کم» است و این نوع خطاب برای مردان است که می فرماید:

(لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).

اما آیات قبل از این آیه با ضمیر «ن» آمده که این نوع خطاب مخصوص زنان است.

بنابراین، ما فهمیدیم که مخاطب این آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ)... مردانی هستند که خداوند می خواهد شرافت و

برتری آنان را اعلام کند؛ چرا که زنان آنان را از زنانی قرار داده که در آیات پیش از این، آنان را توصیف کرده است.

آن گاه طحاوی می نویسد:

۳۹ . سوره هود: آیه ۴۵.

۴۰ . همان: آیه ۴۶.

۴۱ . سوره احزاب: آیه ۲۸.

از دلایل درستی سخن ما، روایتی است که از انس نقل شده است. او می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله هنگامی که برای نماز صبح خارج می شد، می فرمود:

الصلاة يا أهل البيت! (إنما يريدُ اللهُ ليذهبَ...);

ای اهل بیت من! وقت نماز است «خداوند می خواهد...».

هم چنین روایتی که از ابوحریر نقل شده است که می گوید:

نُه ماه در محضر رسول خدا صلی الله علیه وآله بودم. رسول خدا صلی الله علیه وآله هر روز صبح به در خانه فاطمه علیها

السلام می آمد و می فرمود:

السلام عليكم يا أهل البيت! (إنما يريدُ اللهُ ليذهبَ عنكمُ الرجسَ...);

سلام بر شما ای اهل بیت! «خداوند می خواهد...».

این عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز دلیلی است که این آیه در خصوص خمه طیبه نازل شده است.^{۴۲}

نمونه ای از گروه دوم

ابن جوزی^{۴۳} و ذهبی^{۴۴}... نیز از عکرمه بربری خارجی و مقاتل بن سلیمان پیروی کرده اند، زیرا تعصب و دشمنی ورزی آنان با اهل بیت علیهم السلام این گونه اقتضا می کند.

نمونه ای از گروه سوم

ابن کثیر دمشقی نیز از گروه سوم به شمار می رود. او پس از نقل دروغ عکرمه، می گوید:

«اگر مقصود عکرمه این است که تنها زنان پیامبر شأن نزول این آیه بوده اند و نه افراد دیگری؛ درست است و اگر منظور این است که به غیر از زنان پیامبر، کسی دیگر مراد آیه نیست، محل درنگ است. زیرا احادیثی در این باب وارد شده که دلالت می کند مراد آیه وسیع تر از این است.»

آن گاه ابن کثیر تعداد بسیاری از احادیثی را نقل می کند که صراحت دارد بر این که این آیه به پیامبر، جانشین او امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حسنین و صدیقه طاهره علیهم السلام اختصاص دارد و ثابت می کند که سخن عکرمه خلاف کتاب و سنت است.

اما تعصب او اجازه نمی دهد که به این موضوع اذعان کند، تا جایی که با چنگ زدن به سیاق آیه می گوید: در مراد آیه همسران پیامبر نیز منظور هستند.

آن گاه با پافشاری بر این سخن، می گوید: «کسی که در آیات قرآن تدبر نماید تردید نمی کند که همسران پیامبر صلی الله علیه وآله از مصادیق این آیه هستند که می فرماید:

۴۲ . مشکل الآثار: ۱ / ۳۳۲ - ۳۳۹، شایان ذکر است که در چاپ جدید مشکل الآثار، ناشر دست به تحریف زده و در بعضی از موارد ذکر شده، واژه «اهل بیتی» را به «اهلی» تغییر داده است.

۴۳ . این دیدگاه از ظاهر کلام او که در زاد المسیر: ۶ / ۲۰۶ آورده، استفاده می شود؛ چرا که این دیدگاه را مطرح و از آن دفاع نموده است.

۴۴ . سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۲۰۷، شرح حال أم المؤمنین أم سلمه.

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).

زیرا سیاق آیه، با آنان است...^{۴۵}

اعتراف ابن تیمیّه به درستی این حدیث

شگفت آور این که ابن تیمیّه هیچ یک از این دو دیدگاه پیشین را نمی پذیرد، بلکه با پذیرش استدلال علامه حلّی رحمه الله، به درستی این حدیث اقرار می کند.

علامه حلّی رحمه الله می گوید: «ما در این جا فقط تعداد کمی از روایاتی را می آوریم که از دیدگاه اهل سنت روایات صحیح هستند و آنان در اقوال و آثار مورد اعتماد خود آن ها را نقل کرده اند. این روایات را نقل می کنیم تا در روز قیامت حجتی علیه آنان باشد. از جمله، روایتی است که ابوالحسن اندلسی^{۴۶} در کتاب الجمع بین الصحاح السنه از موطأ مالک، صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داوود، صحیح ترمذی و صحیح نسائی نقل کرده است. در این روایت امّ سلمه - همسر پیامبر صلی الله علیه وآله می گوید:

آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) در خانه من نازل شد، در حالی

که من در جلوی در نشسته بودم. من به پیامبر صلی الله علیه وآله گفتم: ای رسول خدا! آیا من از اهل بیت نیستم؟

پیامبر فرمود:

إِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ؛ إِنَّكَ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ؛

تو زنی خوب و از همسران پیامبر هستی.

امّ سلمه می گوید: در خانه من، رسول خدا صلی الله علیه وآله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بودند، حضرت

رسول ایشان را با عبای خود پوشاند و فرمود:

اللَّهُمَّ هُوَ لَأَهْلِ بَيْتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا؛^{۴۷}

بارالها! اینان اهل بیت من هستند، آلودگی را از آن ها بزد و آنان را پاک و منزّه گردان!

ابن تیمیّه در این مورد در فصل جداگانه ای می گوید:

حدیث کساء، حدیث صحیحی است؛ احمد بن حنبل و ترمذی آن را از امّ سلمه نقل کرده اند.

این حدیث را مسلم در صحیح خود از عائشه چنین نقل کرده است:

۴۵ . تفسیر القرآن العظیم: ۳ / ۴۶۵.

۴۶ . ابوالحسن اندلسی همان رزین بن معاویه عبدری، نویسنده تجرید الصحاح و متوفای سال ۵۳۵ هـ است، آن سان که در سیر أعلام النبلاء: ۲۰ / ۲۰۴، شماره ۱۲۹ آمده است. ذهبی در این کتاب او را به: «الإمام المحدث الشهير» توصیف کرده است و از ابن عساکر نقل کرده که او: «امام مالکی ها در حرم بود».

برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر.ک: تذکره الحفاظ: ۴ / ۱۲۸۱، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین: ۴ / ۳۹۸، النجوم الزاهرة: ۵ / ۲۶۰، مرآة الجنان: ۳ / ۲۰۱، و منابع دیگر.

۴۷ . منهاج الكرامة فی معرفة الإمامة: ۸۴ و ۸۵، وجه ششم از فصل دوم.

روزی پیامبر صلی الله علیه وآله صبح زود از منزل خارج شده، در حالی که بر دوش عبایی از پشم سیاه منقوش داشت. در این هنگام حسن بن علی نزد او آمده و او را زیر عبا قرار داد، آن گاه حسین بن علی آمد و او را نیز زیر عبا قرار داد. بعد از مدتی فاطمه علیها السلام آمد و او را نیز زیر عبا قرار داد و بعد از او، علی علیه السلام آمد و او را نیز در زیر عبا آورد. سپس فرمود:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).

ابن تیمیّه پس از نقل این حدیث می نویسد:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در این حدیث فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را با علی علیه السلام شریک گردانیده است، از این رو این فضیلت در حدیث از ویژگی های مختص به او نیست و روشن است که زن صلاحیت امامت را ندارد، از این رو معلوم شد که این فضیلت (عصمت) به ائمه اختصاص ندارد، بلکه غیر از ائمه نیز در آن شریک هستند. از سوی دیگر، مضمون حدیث یاد شده این است که پیامبر برای آنان دعا کرد تا آن ها از آلودگی زدوده شوند و پاک و منزّه گردند و نهایت چیزی که می توان از این حدیث استفاده کرد این است که رسول خدا صلی الله علیه وآله برای آنان دعا کرد تا آنان از پرهیزگاران باشند که خداوند پلیدی را از آن ها زدوده و آن ها را پاکیزه گردانیده است؛ در حالی که اجتناب از آلودگی برای مؤمنان واجب بوده و همه مؤمنان بدان امر شده اند. خداوند می فرماید:

(مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ)؛^{۴۸}

خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد، ولی می خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند.

در آیه دیگری می فرماید:

(خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا)؛^{۴۹}

از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی.

در آیه دیگری می خوانیم:

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ)؛^{۵۰}

خداوند توبه کاران و کسانی را که برای پاکی تلاش می کنند دوست می دارد.

خلاصه این که پیامبر دعا کرد که آنان بتوانند به واجبات عمل کنند و محرمات را ترک نمایند.

از طرفی، خداوند از ابوبکر این گونه یاد می کند:

(وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى * وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى * إِلَّا ابْتِغَاءَ

وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى * وَسَوْفَ يَرْضَى)؛^{۵۱}

۴۸ . سوره مائده: آیه ۶

۴۹ . سوره توبه: آیه ۱۰۳

۵۰ . سوره بقره: آیه ۲۲۲

۵۱ . سوره لیل: آیه ۱۷ - ۲۱

و به زودی پاکیزه ترین مردم از آن دور داشته خواهد شد، همان که مال خود را می دهد [برای آن که] پاک شود، و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) پاداش داده شود، جز جلب توجه پروردگارش - که بسی برتر است - منظوری ندارد و قطعاً به زودی خشنود خواهد شد.

از طرف دیگر، خداوند درباره اولین پیشی گیرندگان از مهاجران و انصار و پیروان آنان فرموده است:

(رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)^{۵۲}

خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند و برای آنان باغ هایی آماده کرده که زیر آن ها نهرها روان است، همیشه در آن جاودانه اند، این است همان کامیابی بزرگ.

بی تردید آنان فرمان های خدا را انجام داده و آن چه را که از آن نهی شده اند، ترک کرده اند؛ چرا که این رضایت الهی و پاداش، فقط به دین وسیله بدست می آید. بنابراین، زدودن آلودگی از آنان و پاک و مطهر گرداندن آن ها از گناهان، بخشی از صفات آنان خواهد بود.

بنابراین دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق اهل کساء بخشی از صفاتی است که خداوند پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار را به آن توصیف نموده است.

از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله برای اقوام زیادی دعا کرد که اهل بهشت شوند و آمرزیده گردند و دیگر دعاهایی که از این دعا بسیار بزرگ تر بوده است. ولی این دعا موجب نشد که آنان از پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار برتر باشند. اما چون اجتناب از آلودگی و پاک کردن خود بر آنان واجب بود، پیامبر صلی الله علیه و آله برای آنان دعا فرمود که خداوند آنان را در انجام این اوامر یاری کند تا مستحق سرزنش و مجازات نشوند و به ستایش و ثواب دست یابند.^{۵۳}

نادرستی سخنان ابن تیمیّه

آن چه گذشت متن سخن ابن تیمیّه بود که در آن نکات زیر مشاهده می شود:

۱. اعتراف به درستی این حدیث که دلالت بر نزول این آیه درباره اهل کساء و نه شخص دیگری، دارد.

۲. اعتراف به این که غیر از علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام مشمول این آیه نیستند.

بنابراین، باید پرسید: سخن عکرمه، سیاق آیه و عقیده ابن کثیر چه شد؟!

ابن تیمیّه پس از ردّ دیدگاه عکرمه و دیگران، و اعتراف به اختصاص آیه مبارکه به عترت پیامبر صلی الله علیه و آله، در رد استدلال علامه حلی رحمه الله این آیه مبارکه، به شکلی استدلال می کند که بطلان آن به طور کامل آشکار است.

فاطمه علیها السلام از مصادیق آیه

نخستین مطلبی که می گوید این است که «فاطمه علیها السلام از مصادیق مورد نظر این آیه بوده است، پس...».

۵۲. سوره توبه: آیه ۱۰۰.

۵۳. منهاج السنّه: ۵ / ۱۳ - ۱۵.

علامه حلی رحمه الله در استدلال خود ادعا نکرده که این حدیث از خصوصیات حضرت علی علیه السلام است، بلکه این آیه مبارکه و حدیث شریف تنها بر عصمت اهل البیت علیهم السلام یعنی: پیامبر خدا، علی مرتضی، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیهم السلام دلالت دارد.

واضح است که تنها معصوم، برای امامت بعد از رسول الله صلی الله علیه وآله صلاحیت دارد و تنها چیزی که در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها می توان گفت، این است که زن برای امامت شایسته نیست.
وی در ادامه می گوید:

مضمون حدیث مذکور این است که پیامبر صلی الله علیه وآله برای آن ها دعا کرد که از پرهیزگاران باشند که خداوند آلودگی را از آنان زدوده است... .

پس بالاترین مطلب حدیث این است که پیامبر صلی الله علیه وآله برای آن ها جهت انجام آن چه بدان امر شده و ترک آن چه از آن نهی گردیده اند، دعا کرد.

کم فهمی یا شدت تعصب ابن تیمیه

این سخن به چند دلیل نشان از کم فهمی و یا شدت تعصب ابن تیمیه دارد.

نخست آن که کلام او به صراحت با آیه مبارکه منافات دارد؛ چرا که کلمه «إنما» بر حصر دلالت می کند، اما سخن او بر عدم حصر دلالت می کند. بنابراین سخن او، ردی بر سخن خدا و رسول اوست.

دوم آن که در بسیاری از روایات صحیح آمده: هنگامی که این آیه مبارکه نازل شد، رسول خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و آنان را زیر عبا پوشاند و فرمود:

اللهم هؤلاء أهل بیتی...؛

بارالها! اینان اهل بیت من هستند... .

آیا به راستی وقتی خداوند تعالی می فرماید: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...) و پیامبر

اکرم صلی الله علیه وآله نیز مصداق اهل بیت را معین می کند، می توان کلام ابن تیمیه مبنی بر عدم حصر را پذیرفت؟!

سوم آن که فرض کنیم این حدیث فقط بر دعای پیامبر برای آنان دلالت دارد تا آن ها «از پرهیزگاران» باشند، و «همه مؤمنان به پاکی امر شده اند»، «و هدف از این دعا برای آن ها انجام آن چه بدان امر شده اند و ترک آن چه از آن نهی شده اند، باشد»، در این صورت هیچ فضیلتی در این آیه و حدیث کساء وجود ندارد؛ در حالی که این مسأله با سخن پیش تر او که گفت: «معلوم شد که این فضیلت...» در تناقض است!!

چهارم آن که اگر «هدف، داعی برای آن ها جهت انجام آن چه بدان امر شده اند و ترک آن چه از آن نهی شده اند» بود، چرا پیامبر صلی الله علیه وآله به ام سلمه اجازه همراهی با آن ها را نداد؟!

آیا ام سلمه «از متقین و پرهیزگاران بود که خداوند آلودگی را از آن ها زدوده...» بود و به دعا نیازی نداشت؟!

یا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نمی خواست که او «از متقین و پرهیزگاران...» باشد؟

پنجم آن که حتی اگر بپذیریم «هدف، دعای برای آن ها بوده...» باید پاسخ بدهیم که در این جا خداوند سبحان اراده کرده و رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز برای پاکی آنان دعا کرده است و می دانیم که دعای رسول خدا صلی الله علیه وآله بی تردید مستجاب است. در این صورت اهل بیت، به همان مضمون آیه، متّصف هستند و ویژگی پاکی و عصمت را یافته اند.

آیاتی درباره ابوبکر

ابن تیمیّه در جای دیگری می گوید: «خداوند درباره ابوبکر می فرماید...».

نتیجه سخن او این است که آیه تطهیر، بیشترین مطلبی را که می رساند این است که در حق اهل بیت «دعا» شده و نه در آیه و نه حدیث یادشده، اشاره ای به «استجابت» دعا نیست و این دعا ممکن است مستجاب شود و امکان دارد مستجاب نشود. اما آن چه در شأن «ابوبکر» آمده «خبر دادن از یک واقعیت موجود است که حاصل شده» در نتیجه او از «اهل بیت» برتر است!!

پیامبر خدا و فاطمه زهرا از اهل بیت هستند

این سخن ابن تیمیّه را نیز در چند محور پاسخ می دهیم:

نخست آن که شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله جزئی از «اهل بیت» در آیه مبارکه هستند. در برتری و فضل مطلق ایشان نیز هیچ شکی نیست.

دوم آن که فاطمه زهرا علیها السلام نیز یکی از «اهل بیت»ی است که در آیه مبارکه آمده است. عده ای از بزرگان اهل سنت نیز به افضلیت و برتری آن بانوی بزرگوار نسبت به ابوبکر اعتراف کرده اند.

در حدیثی که همه مسلمانان بر درستی آن اتفاق نظر دارند، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

فاطمة بضعة منی فمن أغضبها أغضبنی؛

فاطمه، پاره تن من است، هر کس او را خشمگین سازد، مرا خشمگین ساخته است.

علامه مناوی در شرح این حدیث می گوید: سهیلی^{۵۴} به این حدیث استدلال کرده و می گوید: هر کس به فاطمه زهرا علیها السلام دشنام دهد کافر شده است؛ چون پیامبر خدا صلی الله علیه وآله را خشمگین کرده و فاطمه زهرا علیها السلام از شیخین (ابوبکر و عمر) برتر است.^{۵۵}

مناوی در ادامه می گوید:

۵۴ . عبدالرحمان بن عبدالله، علامه اندلسی، از حافظان حدیث، صاحب کتاب های بسیاری است. وی در زبان عربی و دیگر لغات و اخبار و روایات به کمال رسید و عهده دار مناصب علمی شد، از مشهورترین مؤلفات او: الروض الأنف - شرح السیرة النبویة نوشته ابن هشام - است. او در سال ۵۸۱ هـ.ق. درگذشت. شرح حال او در مرآة الجنان: ۳ / ۳۲۰، النجوم الزاهرة: ۶ / ۹۲، العبر: ۳ / ۸۲، الکامل فی التاریخ: ۹ / ۱۷۲ آمده است.

۵۵ . چون سهیلی سب ابوبکر و عمر را سب کفر می داند؛ از این رو با توجه به افضلیت حضرت زهرا سلام الله علیها نسبت به ابوبکر و عمر، دشنام دهنده آن حضرت نیز در نظر او کافر به حساب می آید.

شریف سمهودی گفته: روشن است که فرزندان فاطمه زهراء عليها السلام پاره تن او هستند و به واسطه ایشان پاره تن رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز هستند. از این رو هنگامی که امّ فضل در خواب دید که پاره ای از تن رسول خدا صلی الله علیه وآله در آغوش او گذاشته شده است، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله این خواب را این گونه تعبیر کردند:

فاطمه عليها السلام پسری به دنیا می آورد و در آغوش امّ فضل گذاشته می شود، که پس از آن حسن به دنیا آمد و در آغوش امّ فضل گذاشته شد.

از این رو هر فرزندی از ذریه فاطمه زهرا عليها السلام که امروز دیده می شود هر چند که فاصله و واسطه زیاد شده باشد، پاره تنی از پاره تن رسول خدا صلی الله علیه وآله است و هر کس در این نکته دقت نماید در قلب خود به آنان ارج می نهد و آنان را بزرگ می دارد و از دشمنی و کینه نسبت به آنان دوری می جوید و برایش فرق نمی کند که فرزندان صدیقه طاهره سلام الله علیها در چه حالی باشند.^{۵۶}

ابن حجر عسقلانی می گوید:

طبق این حدیث، آزار رسانی به کسی که آزرده شدن پیامبر صلی الله علیه وآله می شود، حرام است؛ چرا که به اتفاق همگان آزرده شدن پیامبر صلی الله علیه وآله - چه اندک و چه بسیار - حرام است و بی تردید رنجش فاطمه عليها السلام آن حضرت را نیز آزرده می کند.

در نتیجه به موجب این حدیث صحیح، هر کسی کاری در حق فاطمه عليها السلام انجام داده و او را بیازارد، پیامبر صلی الله علیه وآله را آزرده است.

هیچ کاری برای آزرده شدن فاطمه زهرا عليها السلام بزرگ تر از شهید کردن فرزندان آن حضرت نیست. از این رو به شهادت تاریخ، کسانی که این رفتار را انجام می دهند، به مجازات در دنیا گرفتار می شوند. هم چنان که عذاب اخروی نیز در انتظار آنان است، چنان که قرآن می فرماید:

(وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ)^{۵۷}

و همانا عذاب آخرت، شدیدتر است!^{۵۸}

افضلیت حسنین علیهما السلام

سوم آن که حسن و حسین علیهما السلام از مصادیق «اهل بیت» در این آیه مبارکه هستند. همان دلیلی که سهیلی و دیگران برای افضلیت حضرت زهرا عليها السلام اقامه کرده اند، برای افضلیت حسن و حسین علیهما السلام نیز اقامه می شود.

۵۶. فیض القدیر - شرح الجامع الصغیر - ۴ / ۴۲۱. ر.ک: جواهر العقیدین: ۳۴۹ و ۳۵۰، فصل یازدهم.

۵۷. سوره طه: آیه ۱۲۷.

۵۸. فتح الباری: ۹ / ۲۸۷ - ۲۸۸، باب: «ذَبَّ الرَّجُلُ عَنِ ابْنَتِهِ فِي الْغَيْرَةِ وَالْإِنصَافِ».

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: شرح نووی بر صحیح مسلم: ۱۶ / ۳، باب: «من فضائل فاطمة رضی الله عنها»، تحفة الأحمودی بشرح جامع الترمذی: ۱۰ / ۲۵۱، باب: «ما جاء فی فضل فاطمة رضی الله عنها»، فیض القدیر - شرح الجامع الصغیر - ۴ / ۴۲۱.

البته علاوه بر این، دلایل دیگری بر افضل بودن این دو نواده رسول خدا صلی الله علیه وآله وجود دارد، مانند «آیه تطهیر» و «حدیث ثقلین» که هر دو بر «عصمت» دلالت می کنند و شکی نیست که معصوم از دیگران افضل است.

افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام

چهارم آن که امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز از دیگر افرادی است که مصداق «اهل بیت» است. این آیه - همراه ادله بی شمار دیگری - بر برتری ایشان - بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله - نسبت به همه آفریدگان دلالت می کند.

ابوبکر کجا می تواند مصداق آیه «الأتقی» باشد؟

پنجم آن که دیدگاهی که می گوید: مراد از آیه (الأتقی...) «ابوبکر» است، دیدگاهی است که فقط خودشان گفته اند. از این رو، این دیدگاه نمی تواند در برابر دیدگاه مورد اتفاق مسلمانان تاب بیاورد. به همین دلیل این دیدگاه بی اعتبار است.

ششم آن که در این دیدگاه نیز که مراد از آیه مذکور «ابوبکر» است، جای سخن بسیار است، در صورت لزوم به تفاسیری چون الدر المنثور و... مراجعه شود.

دیدگاه دیگر ابن تیمیه و رد آن

ابن تیمیه در جایی دیگر گفته: «مهاجران و انصار و تابعانی که خداوند درباره آنان فرموده... . در نتیجه دعای پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در حق اهل کساء بخشی از صفاتی است که خداوند پیشگامان نخستین...».

نتیجه سخن او این است که «پیشگامان نخستین» که به تفسیر او تمامی مهاجران و انصار هستند، از «اهل بیت» برترند.

در پاسخ باید گفت:

این کلام ابن تیمیه نیز همانی است که پیش تر بیان شد؛ چرا که استدلال او مبتنی بر این است که آن چه پیامبر صلی الله علیه وآله انجام داده اند، صرف «دعا» بوده است... اما روشن شد که این آیه دلالت می کند که اراده الاهی به زدودن آلودگی از اهل بیت و پاک و منزّه گردیدن آنان، تعلق یافته و این دلیل بر عصمت «اهل بیت» است؛ اهل بیته که پیامبر صلی الله علیه وآله برای مسلمانان اعلام کردند که آن ها خود پیامبر خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند.

پیشگامان نخستین چه کسانی هستند؟

از سوی دیگر، مقصود از آیه (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ...) ^{۵۹} امیرالمؤمنین علیه السلام است و شاهد این ادعا تفسیر آیه شریفه ای است که می فرماید:

۵۹ . سوره توبه: آیه ۱۰۰.

(وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)؛^{۶۰}

و پیشگامانی که پیشی گرفتند، آن ها مقربان هستند!

بر اساس احادیث معتبر موجود در کتاب های شیعه و سنی - که بر دانشمندان مخفی نیست - مصداق این آیه، حضرت علی علیه السلام است.^{۶۱}

وانگهی! ابوبکر از پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار نیست؛ چرا که طبری می گوید:

«عده ای دیگر گفته اند: پیش از ابوبکر گروهی از مردم، مسلمان شده بودند. اینک قائلان این سخن را می آوریم: ابن حمید از کنانه بن جبله، از ابراهیم بن طهمان، از حجاج بن حجاج، از قتاده، از سالم بن ابی الجعد چنین نقل می کند: محمد بن سعد می گوید: به پدرم سعد گفتم: آیا ابوبکر نخستین کس از شما بود که مسلمان شد؟ گفت: نه، پیش از او بیش از پنجاه نفر مسلمان شده بودند، اما او مسلمان ترین ما بود.^{۶۲}

تناقض گویی ابن تیمیه

ابن تیمیه در جایی دیگر به آیه تطهیر پرداخته است، اما این بار بر صحت این حدیث تصریح نکرده! و به مفاد آن اعتراف نموده است! بلکه ادعا کرده که مقصود آیه همسران پیامبر صلی الله علیه وآله هستند!

این همان دیدگاه سوم است که ابن جوزی آن را به ضحاک بن مزاحم نسبت داده بود. ابن تیمیه چنین می گوید: آیه تطهیر از پاکی اهل بیت و زدودن آلودگی از آن ها خبر نمی دهد. بلکه به آن ها فرمان داده شده تا آن چه را که موجب پاکی و زدوده شدن آلودگی می شود، انجام دهند؛ زیرا این فرمایش خداوند:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)؛^{۶۳}

خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند؛

مانند آیه دیگری است که می فرماید:

(مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ)؛^{۶۴}

خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند.

و آیه دیگری که می فرماید:

(يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنْنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ *

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا * يُرِيدُ اللَّهُ

أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا)؛^{۶۵}

۶۰ . سوره واقعه: آیه ۱۰ و ۱۱ .

۶۱ . برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: بحث آیه هفتم از اواخر جلد بیستم از کتاب: نفحات الأزهار فی خلاصه عقبات الأنوار.

۶۲ . تاریخ طبری: ۲ / ۳۱۶، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم.

۶۳ . سوره احزاب: آیه ۳۳.

۶۴ . سوره مائده: آیه ۶

۶۵ . سوره نساء: آیه ۲۶ - ۲۸.

خدا می خواهد برای شما توضیح دهد و راه و رسم کسانی را که پیش از شما بوده اند به شما بنمایاند و بر شما ببخشد و خدا دانا و حکیم است. خدا می خواهد تا بر شما ببخشد و کسانی که از خواسته های نفسانی پیروی می کنند می خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید. خدا می خواهد بارتان را سبک گرداند و انسان ناتوان آفریده شده است. می بینیم که طبق مفاد این آیات، اراده در بردارنده امر، محبت و رضایت است؛ نه این که اراده، خواستی الهی باشد که به موجب آن، هر چه اراده شده، محقق شود. اگر این گونه بود تمام کسانی که خداوند پاکی آن ها را خواسته بود، پاک می شدند.

این کلام ما بر طبق دیدگاه قدریه شیعیان به راحتی قابل قبول است؛ زیرا اینان بر این باورند که خداوند آن چه را تحقق پیدا نمی کند، اراده می کند و آن چه را اراده نمی کند، تحقق نمی یابد!!!
خداوند می فرماید:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).

و چون در این آیه پاک شدن به انجام آن چه بدان امر شده و ترک آن چه از آن نهی شده، محقق می شود و این امر، به اراده و افعال خود آن ها بستگی دارد؛ پس اگر به آن چه بدان امر شده اند، عمل کنند، پاک می شوند، در غیر این صورت نه هم چنان که این قدریه می گویند: «خداوند آفریدگار افعال و اعمال آن ها نیست و نمی تواند پلیدی را از آنان بزدايد».

اما دسته دیگر که معتقد به قضا و قدر الهی هستند می گویند: خداوند براین امر قادر است و اگر به آن ها انجام اوامر و ترک نواهی را الهام کند پاکی و زدوده شدن آلودگی محقق می شود.
برای اثبات این سخن که آیه بالا بیان گر امر و نهی است که به اهل بیت شده نه خبر دادن از زدودن رجس و پلیدی و طاهر گردانیدن آن ها، حدیثی صحیح را می آوریم که مسلم در صحیح خود از عایشه و صاحبان کتاب های السنن آن را به نقل از ام سلمه آورده اند. در این روایت آمده:

پیامبر صلی الله علیه وآله عبا را روی علی، فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام کشید و بعد فرمود:

اللهم هؤلاء أهل بيتي فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا

بارالها! این ها اهل بیت من هستند. آلودگی را از ایشان بزدا و آن ها را پاک و مطهر کن.

این حدیث از دو زاویه بر خلاف دیدگاه رافضی ها (شیعیان) دلالت دارد:

نخست آن که پیامبر برای آن ها این گونه دعا فرموده اند. این دعا نشان می دهد که آیه از وقوع طهارت خبر نداده است؛ چرا که اگر این امر واقع شده بود پیامبر صلی الله علیه وآله خداوند را به خاطر آن، ستایش و شکر می کرد و تنها به صرف دعا بسنده نمی نمود.

دوم آن که این آیه دلیلی است بر قادر بودن خدا برای زدودن آلودگی از آن ها و پاک کردنشان؛ این عبارت ثابت می کند که خداوند افعال بندگان را خلق می کند (و این همان التزام به جبر است).

سیاق آیه نیز از دلایلی است که شمول این آیه بر امر و نهی را ثابت می کند؛ چرا که می فرماید:

(يا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا * وَمَن يَفْعَلْ مِثْلَ ذَلِكَ وَسُئِلَ لَهُ عَمَلُهُ إِنِ اتَّقَيْنَ فَمَا لَبَسَ بِتُحَىٰ وَالْمُرَاتَبَاتِ لَبَسَ لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا * يا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا * وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا)؛

ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکاری مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود؛ و این برای خدا آسان است. و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پرارزشی برای او آماده کرده ایم. ای همسران پیامبر! شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دل در شما طمع کند، و سخن شایسته بگوئید! و در خانه های خود بمانید، و هم چون دوران جاهلیت نخستین با زینت های خود (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند می خواهد پلیدی و گناه را فقط از شما اهل بیت دور کند و به طور کامل شما را پاک سازد. آن چه را در خانه های شما از آیات خداوند و حکمت خوانده می شود یاد کنید؛ خداوند لطیف و خبیر است.

هم چنین سیاق آیات نشان دهنده این است که همسران پیامبر صلی الله علیه وآله از اهل بیت ایشان هستند؛ چرا که سیاق آیات خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه وآله است.

هم چنین نشان دهنده این است که آیه (لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ) شامل غیر همسران پیامبر صلی الله علیه وآله مانند علی، فاطمه، حسن و حسین هم شده است و به دلیل وجود افراد مذکر و مؤنث در «اهل»، خداوند نیز خطاب آیه را با ضمیر مذکر «کم» آورده است و فقط اینان هم ردیف همسران پیامبر از اهل بیت او شدند.

از این روست که پیامبر صلی الله علیه وآله هنگامی که عبا روی سر آن ها کشید، به طور اختصاصی برایشان دعا نمود. همان طور که هم مسجد قبا بر اساس تقوا پایه ریزی شد و هم مسجد النبی، بلکه مسجد النبی در این موضوع از مسجد قبا کامل تر است. آیه (لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ...)^{۶۶} «مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده...» در شأن مسجد قبا نازل شد، اما این آیه، هم شامل مسجد قبا و هم مسجد النبی می شود، بلکه در مورد مسجد النبی اولویت دارد.

البته علما اختلاف دارند که آیا همسران پیامبر صلی الله علیه وآله از آل ایشان هستند؟

در پاسخ به این سؤال، دو دیدگاه وجود دارد. این دو دیدگاه برپایه دو روایتی است که احمد در مسند خود نقل کرده است. اما طبق صحیح ترین این دو روایت، همسران پیامبر صلی الله علیه وآله از آل و اهل بیت ایشان هستند. همان طور که در دو صحیح بخاری و مسلم آمده است:

اللهم صلّ على محمد وعلى أزواجه وذريته؛

خداوندا! بر محمد، همسران و فرزندان او درود فرست.

درباره این موضوع در جایی دیگر به تفصیل سخن گفته ایم.^{۶۷}

پاسخ به شبهه های واهی ابن تیمیّه

ابن تیمیّه - همان طور که خود اعتراف کرده - با شبهه های واهی و سخنان بی پایه و سست، سعی در گریز از پایبندی به مفاد آیه مبارکه و احادیث معتبر و صحیح نبوی درباره این آیه دارد. با مراجعه به کتاب های علمای شیعه در بیان دلالت های این آیه مبارکه - در پرتو سنت و احادیث مورد قبول شیعه و سنی - اشکالات و موارد تعصّب در کلام او به طور کامل آشکار می گردد.

ما نیز پیش تر پاره ای از احادیث را که نشان گر وقوع زدودن آلودگی از اهل بیت و پاک و مطهر کردن آن ها، توسط خداوند از طریق اراده تکوینی بود، ذکر کردیم. به گونه ای که این اراده هیچ منافاتی با عقیده مذهب اهل بیت در مسأله جبر و اختیار ندارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پس از نزول آیه تطهیر، مقصود از «اهل بیت» در این آیه را مشخص کرده است؛ برای آن ها دعا نموده و شکی نیست که دعای ایشان مستجاب است.

همان طور که از ویژگی های موجود در خود این آیه و احادیث وارده در خصوص معنای آن، دانستیم که این آیه به خمسه طیبه اختصاص دارد؛ آن سان که گروهی از بزرگان حدیث شناس سنی مانند طحاوی و ابن حبان، به تبعیت از همسران پیامبر صلی الله علیه وآله و بزرگان صحابه، به این مسأله اعتراف کرده اند.

از طرفی، دانستیم که هرچند آیه یادشده در کنار آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه وآله آمده است، اما برای موضوعی جداگانه نازل شده است. در قرآن موارد فراوانی هستند که در آن آیه مکی، بین آیات مدنی و بالعکس آمده است.

این آیه و احادیث گذشته و دیگر احادیثی که به علّت اختصار از ذکر آن ها خودداری کردیم، همه بر این دلالت دارند که عنوان «اهل بیت» - یعنی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله - شامل همسران پیامبر نمی شود. حتی فراتر از این، هیچ یک از خویشان، بستگان و خانواده پیامبر را نیز شامل نمی شود مگر به قرینه.

۶۷. منهاج السنّه؛ ۴ / ۲۱ - ۲۴.

از سوی دیگر، در صحیح مسلم در ذیل حدیث ثقلین به نقل از زید بن ارقم آمده است که از او پرسیدند: آیا همسران پیامبر صلی الله علیه وآله از اهل بیت ایشان هستند؟
گفت: به خدا سوگند، نه؛ چرا که زن برهه ای از زمان با مرد است، مرد او را طلاق می دهد و او نزد پدر و قوم خود بازمی گردد. بنابراین، زن از اهل به شمار نمی رود.
اما روایت نقل شده از زید که «اهل بیت کسانی هستند که بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله صدقه به آن ها حرام شده» با روایات متواتری که پاره ای از آنان گذشت، ناسازگار است.
ولی پرواضح است که قول یک صحابی توان مقاومت در برابر روایات پیامبر خدا صلی الله علیه وآله که به طور متواتر نقل شده اند را ندارد.

آیه تطهیر و دیدگاه دهلوی

ما دو دیدگاه پیشین را نقد کردیم و نیز به اتهام پراکنی های ابن تیمیّه پاسخ گفتیم، دیگر به بررسی و نقد گفته های عبدالعزیز دهلوی نویسنده کتاب تحفه اثناعشریه درباره این آیه نیازی نیست. زیرا سخن وی مطلبی فراتر از دیدگاه های پیشین را در بر ندارد.

او در ابتدا نظر عکرمه را آورده و آن را با سیاق آیه تأیید کرده است. سپس می گوید:
ولی پژوهش گران اهل سنت بر این باور هستند که این آیه اگر چه در شأن همسران پاک پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده است، اما به حکم این قاعده که عموم مفهوم لفظ، معتبر است، و صادر شدن یک لفظ در خصوص یک واقعه و یا عده ای، موجب نمی شود مفهوم و مراد از آن لفظ خصوص آن واقعه و یا آن عده باشند، بنابراین، در این جا، همه اهل خانه پیامبر صلی الله علیه وآله شامل این بشارت می شوند و اختصاص دادن افرادی از اهل خانه با عبا در حالی که بر تخصیص دلالت ندارد، فایده اش دفع مظنه نبودن این اشخاص در اهل بیت است، نظر به آن که مخاطب در این آیه فقط زنان پیامبر بوده است. اما پیامبر با قرار دادن این افراد در زیر عبا، بیان کرد که اینان نیز هم چون زنان پیامبر، از اهل بیت به شمار می روند.

دهلوی در ادامه، با حمل «اراده» بر اراده تشریحی در دلالت آیه بر عصمت مناقشه کرده است و می گوید:
چون از نظر شیعیان وقوع آن چه خداوند اراده کرده لازمه اراده او نیست. پس عصمت به مبنای آنان ثابت نمی شود و نیز استدلال آنان بر عصمت نقض می شود؛ چرا که اگر این کلمه بر عصمت دلالت می کرد لازم بود که همه صحابه، به ویژه حاضران در غزوه بدر معصوم باشند، چون خداوند در حق آنان فرموده:

(وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)^{۶۸}؛

لیکن می خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که شکر به جا آورید.

هم چنین در آیه دیگری فرموده:

۶۸ . سوره مائده: آیه ۶

(لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطَانِ)^{۶۹}

تا شما را با آن پاک گردانند، و اضطرابات شیطان را از شما بزداید.

روشن است که اتمام نعمت برای صحابه، کرامتی بیشتر به نسبت آن دو (اذهاب رجس و تطهیر) است و وقوع این اتمام نعمت دلالت واضح تری بر عصمت آن ها دارد.

سپس می گوید: پذیرفتیم که این آیه، دلیل بر امامت آن حضرت است، اما امامت بلا فصل او از کجا فهمیده می شود؟^{۷۰}

پاسخ به دیدگاه دهلوی

آن چه ذکر کردیم خلاصه ای از مهم ترین سخنان دهلوی بود. او ابتدا بر سخنان عکرمه تکیه می کند. اما سپس دست از این دیدگاه برمی دارد و آیه را شامل اهل بیت و همسران پیامبر صلی الله علیه وآله قرار می دهد که بطلان هر دو نظر برای شما حق جویان آشکار شد.

از سوی دیگر، بیان شد که «اراده» در این آیه، اراده تکوینی است نه تشریحی و نمی توان با استناد به عدم عصمت صحابه حاضر در بدر نیز این معنا را باطل کرد. زیرا «اراده» در دو آیه مذکور تشریحی است و قیاس او نادرست است.

از این گذشته، هیچ کس سخنی درباره عصمت هیچ یک از اهل بدر یا صحابه نگفته است. بنابراین ادعای او، به هم زدن اجماع قطعی است. اما درباره «اهل بیت» چنین نیست. زیرا رسول الله صلی الله علیه وآله یکی از آن هاست و آن حضرت به اجماع مسلمانان، معصوم است و سایر اهل بیت نیز با توجه به آیه و حدیث ثقلین و... معصوم هستند. هم چنین سخن اخیر او درباره مضمون آیه در خصوص امامت حضرت علی علیه السلام بعد از عثمان، از چند جهت باطل است. از جمله این که: این برداشت مشروط به درستی امامت سه خلیفه آنان است که این خود اول کلام است و مورد پذیرش ما نیست.

والحمد لله رب العالمین،

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.

۶۹. سوره انفال: آیه ۱۱.

۷۰. تحفه اثنا عشریه: ۲۰۲، ر.ک: مختصر التحفه الاثنی عشریه: ۱۶۷ - ۱۷۲.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.

الف

۲. اسباب النزول: امام واحدی نیشابوری، عالم الکتب، بیروت.

ت

۳. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیہ، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۴. تاریخ طبری (تاریخ الأمم والملوک): ابوجعفر محمد بن جریر طبری، مؤسسہ اعلمی، بیروت، لبنان.

۵. تاریخ مدینة دمشق: حافظ ابوالقاسم علی بن حسن، معروف به ابن عساکر، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال

۱۴۱۵، دار الدرایہ، عربستان سعودی، ریاض، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۶. تحفه اثنا عشریہ: شاه عبدالعزیز دهلوی، نورانی، کتابخانہ، پیشاور، پاکستان.

۷. تذکرہ الحفاظ: شمس الدین ابی عبدالله محمد بن احمد ذہبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

۸. تفسیر الطبری (جامع البیان): محمد بن جریر طبری، دار الفکر، بیروت، لبنان، ۱۴۱۵.

۹. تفسیر القرآن العظیم معروف به تفسیر ابن کثیر: ابوالفداء اسماعیل بن کثیر قرشی دمشقی، دار

المعرفہ، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۰۹.

۱۰. تفسیر القمی: ابوالحسن علی بن ابراہیم قمی، مؤسسہ دار الکتب، قم.

۱۱. تہذیب التہذیب: احمد بن علی بن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیہ، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال

۱۴۱۵.

۱۲. تہذیب الکمال فی أسماء الرجال: جمال الدین ابوالحجاج یوسف مزی، مؤسسہ الرسالہ، بیروت، لبنان،

چاپ پنجم، سال ۱۴۱۵.

ج

۱۳. جامع الأصول: مبارک بن محمد شیبانی معروف به ابن الاثیر، دار الفکر، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۱۴. جواهر العقدين: نورالدین سمہودی شافعی، دار الکتب علمیہ، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

١٥ . الجواهر المضيئه فى طبقات الحنفيه: ابومحمّد، محيي الدين عبدالقادر بن ابوالوفاء قرشى حنفى
مصرى، حيدرآباد دكن.

ح

١٦ . حسن المحاضره: جلال الدين سيوطى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٨.

خ

١٧ . خصائص أمير المؤمنين على عليه السلام: عبدالرحمان احمد بن شعيب نسائي، دار الثقلين، قم، چاپ يكم،
سال ١٤١٩.

د

١٨ . الدر المنتور فى التفسير بالمأثور: جلال الدين سيوطى، دار الكتب علميه، بيروت، چاپ يكم، سال
١٤٢١.

س

١٩ . سنن ترمذى: محمد بن عيسى بن سوره ترمذى، دار الفكر، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ١٤٠٣.
٢٠ . سير اعلام النبلاء: شمس الدين ابى عبدالله محمد بن احمد ذهبى، مؤسسہ الرساله، بيروت، لبنان، چاپ
نهم، سال ١٤١٣.
٢١ . سيره ابن هشام (السيره النبويه): ابومحمد عبدالملك بن هشام بن ايوب حميرى، دار احياء التراث
العربى، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٥.

ش

٢٢ . شواهد التنزيل: عبيدالله بن احمد، معروف به حاكم حسانى، مجمع احياء الثقافه الاسلاميه، چاپ يكم،
سال ١٤١١.

ص

٢٣ . الصحاح: اسماعيل بن حماد جوهرى، دار العلم ملايين، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٣٧٦.
٢٤ . صحيح مسلم: مسلم بن حجاج نيشابورى، مؤسسہ عز الدين و دار الفكر، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال
١٤٠٧.
٢٥ . الصواعق المحرقة: احمد بن محمد بن محمد بن على بن حجر هيثمى مكى، تحقيق عبدالرحمان بن
عبدالله تركى و كامل محمد خراط، مؤسسہ رسالت، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٧.

ض

٢٦ . الضعفاء الكبير: محمد بن عمرو بن موسى بن حماد عقيلى مكى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ
دوم، سال ١٤١٨.

ط

- ٢٧ . طبقات الحفاظ: جلال الدين سيوطي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ١٤١٤.
- ٢٨ . طبقات الفقهاء: ابواسحاق شافعي شيرازي، دار الراءد العربي، بيروت، لبنان، سال ١٩٧٠ م.
- ٢٩ . الطبقات الكبرى: محمد بن سعد بن منيع زهري بصرى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ١٤١٨.

ع

- ٣٠ . العبر في خبر من غير: شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان ذهبي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان.
- ٣١ . العقد الثمين في تاريخ البلد الامين: تقى الدين محمد بن احمد فاسي مكي.
- ٣٢ . العين: ابي عبدالرحمان خليل بن احمد فراهيدي، دار الهجره، چاپ دوم، سال ١٤٠٩

غ

- ٣٣ . غاية النهايه في طبقات القراء: جزري شافعي، مكتبة خانجي، مصر، سال ١٣٥١.

ف

- ٣٤ . فتح الباري في شرح صحيح البخاري: ابن حجر عسقلاني، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٠.
- ٣٥ . فيض القدير في شرح الجامع الصغير: عبدالرؤوف مناوي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٥.

ك

- ٣٦ . الكامل في التاريخ: عزالدين علي بن ابي الكرم شيباني جزري معروف به ابن اثير، دار الفكر، بيروت، لبنان، سال ١٣٩٩.

م

- ٣٧ . مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: حافظ نورالدين علي بن ابي بكر هيثمي، دار الفكر، بيروت، لبنان، سال ١٤١٢.
- ٣٨ . مختصر التحفة الاثنا عشرية: محمود شكري آلوسي، مكتبة ايشيق، استانبول، تركيه، سال ١٣٩٩.
- ٣٩ . مرآة الجنان: يافعي، دار الكتاب الاسلامي، قاهره، مصر، سال ١٤١٣.
- ٤٠ . المستدرک على الصحيحين: ابو عبدالله حاكم نيشابوري، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١١.
- ٤١ . مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شيباني، دار احياء التراث العربي و دار صادر، بيروت، لبنان، چاپ سوم، سال ١٤١٥.
- ٤٢ . مشكل الآثار: ابو جعفر طحاوي مصري حنفي، حيدرآباد، سال ١٣٣٣.
- ٤٣ . المعجم الكبير: سليمان بن احمد بن ايوب لخمى طبراني، دار احياء التراث، چاپ دوم، سال ١٤٠٤.

- ٤٤ . المغنى فى الضعفاء: شمس الدين ابى عبدالله محمد بن احمد ذهبى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٨.
- ٤٥ . المنتظم فى تاريخ الملوك والامم: ابوالفرج عبدالرحمان بن على بن جوزى قرشى، دار الكتب علميه، چاپ يكم، سال ١٤١٣.
- ٤٦ . منهاج السنه النبويه: ابن تيميه حرانى، مكتبه ابن تيميه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ١٤٠٩.
- ٤٧ . منهاج الكرامه فى معرفه الامامه: حسن بن يوسف بن مطهر، معروف به علامه حلى.
- ٤٨ . ميزان الاعتدال فى نقد الرجال: شمس الدين ابى عبدالله محمد بن احمد ذهبى، دار المعرفه و دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٣٨٢ هـ .

ن

- ٤٩ . النجوم الزاهره فى ملوك مصر والقاهره: يوسف بن تغرى اتابكى، دار الكتب علميه، قاهره.
- ٥٠ . نفحات الأزهار فى خلاصه عبقات الأنوار: آيه الله سيد على حسيني ميلانى، قم، نشر الحقايق، چاپ دوم، سال ١٤٢٦.
- ٥١ . النهايه فى غريب الحديث والأثر: ابن اثير مجدالدين مبارك بن محمد جزرى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، سال ١٤١٨.

ى

- ٥٢ . وفيات الأعيان: شمس الدين احمد بن محمد بن خلكان، دار صادر، بيروت، لبنان.

Doctrinal Researches Series

(34)

***A look on the Verse
of Tat-heer (purification)***

*A study on the Exegesis and the Occasion
of Revelation of the Qur'anic Verse of Tat-heer*

Ayatollah Sayyid Ali Husayni Milani